



گزارش کارشناسی

موضوعات مورد بررسی در جلسات

پنجاه و پنجاه و یکم شورای نگهبان در سال ۱۳۸۹

کد گزارش: ۸۹۰۰۳۳

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۲/۱۳

شناسنامه گزارش

موضوع:

گزارش کارشناسی

موضوعات مورد بررسی در جلسات پنجاه و پنجاه و یکم

شورای نگهبان در سال ۱۳۸۹

تهیه کننده: مرکز تحقیقات شورای نگهبان

ناظر علمی: معاون پژوهشی

شماره گزارش: ۸۹۰۰۳۳

تاریخ تنظیم: ۱۳۸۹/۱۲/۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

- ۱- لایحه نظارت بر رفتار قضات ۱
- ۲- اصلاحیه لایحه رسیدگی به جرایم رانندگی ۳۰
- ۳- اصلاحیه طرح رسیدگی به داریی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران. ۳۱
- ۴- اصلاحیه طرح تمدید قانون استفاده از تسهیلات حساب ذخیره ارزی برای حمل و نقل ریلی و عمومی شهرها مصوب ۱۳۸۸ ۳۳
- ۵- طرح تمدید قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ ۳۳
- ۶- طرح استخدام مهندسين ناظر توليدات کشاورزی ۳۹
- ۷- طرح اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ۴۴
- ۸- لایحه موافقت‌نامه انتقال محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت

جمهوری هند..... ۴۷

۹- طرح حمایت از افرادی که توسط گروه‌های ضدانقلاب و منحرفین اعتقادی اسیر، کشته و یا معلول می‌شوند ۴۸

۱۰- طرح استفساریه جزء (الف) بند (۷) ماده واحد قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور ۴۸

۱۱- لایحه پذیرش اصلاحیه ضمیمه (ب) پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا ۵۴

۱۲- لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اصلاحات کنوانسیون سازمان بین المللی آب‌نگاری ۵۸

۱۳- اصلاحیه اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون ۶۰

۱۴- اساسنامه صندوق خدمات درمانی ۶۱

۱۵- اصلاحیه اساسنامه شرکت ارتباطات زیر ساخت ۶۱

۱۶- اصلاحیه اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی ۶۲

۱۷- اصلاحیه اساسنامه صندوق توسعه صنایع دریایی ۶۲

۱- لایحه نظارت بر رفتار قضات

الف - مقدمه توجیهی

نظارت بر رفتار قضایی از مقوله‌هایی است که تمامی نظام‌های حقوقی در گذشته و حال بر آن تأکید داشته و دارند. در نظام قضایی اسلام نیز این امر همواره مورد عنایت بوده است. حضرت علی علیه‌السلام در فرمان خود به مالک اشتر ضمن برشمردن شرایط انتخاب قاضی و حفظ حیثیت و رعایت استقلال و تأمین معیشت وسیع برای او، دستور نظارت و بازرسی اعمال قضات را صادر و مقرر فرموده است، از قضات خود و نحوه کارشان بسیار خبرگیر، و بررسی و تحقیق کن مبدا که در رفتار و عمل و نحوه قضاوت از حدود الهی، و اخلاق اسلامی خارج شوند. یکی از کارآمدترین انواع نظارت، «نظارت انتظامی» است ولی مقررات کنونی مربوط به نظارت انتظامی در طول سالیان متمادی و در لابلای قوانین متعدد شکل گرفته است. پراکندگی و نیز قدمت برخی از این مقررات که بعضاً به هشتاد سال پیش برمی‌گردد باعث شده وضعیتی مبهم به وجود آید که برای هیچ‌کس خوشایند نیست نه برای مراجعان به دستگاه قضاء نه برای قضات و نه نهادهای مدیریتی و نظارتی مربوط در دستگاه قضایی. نظام‌نامه راجع به انواع تقصیرات قضات صرفنظر از ابهامات مربوط به آن نیازمند بازنگری و روزآمدی است و البته بهتر آنکه این کار در قالب یک متن قانونی منسجم و جامع همه مقررات مربوط به نظارت انتظامی صورت گیرد. بر این اساس، این لایحه برای طی مراحل قانونی ارائه شده است.

ب - سابقه طرح

طرح یک فوریتی نظارت بر رفتار و عملکرد قضات توسط عده‌ای از نمایندگان

مجلس شورای اسلامی در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ به مجلس ارائه شد، قبل از آن نیز قوه قضائیه در اردیبهشت سال ۱۳۸۸ لایحه نظارت انتظامی بر رفتار قضایی را تهیه و به دولت ارائه نمود که به صورت لایحه تشکیلات دادسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضایی در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۲۳ به مجلس شورای اسلامی ایران ارائه شد.

ج- قوانین و مقررات مرتبط

۱- نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها -

مصوب ۱۳۰۴

۲- قانون رسیدگی به صلاحیت قضات - مصوب ۱۳۷۶/۲/۱۷

۳- قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات - مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳

د- واژگان تخصصی

۱- نظارت انتظامی: نظارت و کنترلی است که بر مأموران عمومی حکومت به لحاظ رفتارها و عملکردهای شغلی آنان به عمل می آید و تخلفات مربوط به آن به حیثیت و اعتبار اداره یا دستگاه حکومتی (دادگستری) لطمه و آسیب وارد می نماید. از این رو نظارت انتظامی با نظارت کیفری که ناظر بر ارتکاب یک جرم بوده و به منافع کل جامعه آسیب وارد می نماید و سایر انواع نظارتها متمایز است.

۲- عضو معاون: عضو معاون دادگاه انتظامی، قاضی است که در نبود عضو مستشار وظایف او را بر عهده گرفته و انجام می دهد.

ماده (۱)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

از آنجا که بر اساس مواد (۳) و (۱۰) آیین نامه دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت و دادستان ویژه روحانیت از سوی مقام معظم رهبری منصوب می شود. از این رو اطلاق این ماده که شامل قضات مزبور نیز می گردد مستلزم اذن معظم له بوده و از این جهت مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی می باشد.

ماده (۲)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی ندارد.

ماده (۳)

۱- دلایل موافق و مخالف

- مخالف: این ماده ابهام دارد، در بند ۳ کلمه «عالی» باید قید شود یعنی باید اینگونه باشد: «دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات».

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرتی ندارد.

ماده (۴)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی ندارد.

ماده (۵)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

چرا این ماده گفته است باید اعضای دادگاه انتظامی حداقل ۲۵ سال سابقه کار قضایی داشته باشند، مبنای این شرط چیست و این شرط نمی‌تواند صحیح باشد و نکته دیگر اینکه چرا این ماده تصریح کرده اگر قاضی تمایل نداشته باشد رئیس قوه قضاییه نمی‌تواند او را تغییر دهد، چرا رئیس قوه قضاییه نتواند قاضی را که تشخیص می‌دهد برای دادگاه انتظامی مناسب نیست تغییر دهد، این حکم ایراد دارد. نباید رئیس قوه قضاییه را محدود کرد همانگونه که او را منصوب می‌کند باید بتواند او را تغییر هم بدهد.

ب - موافق

دادگاه عالی انتظامی قضات جایگاه بسیار رفیعی دارد و حکمی که در این ماده آمده است حداقل ۲۵ سال سابقه قضایی، برای این است که افراد با تجربه در این دادگاه حضور داشته باشند و اینکه در ماده آمده است که نمی‌توان اعضای دادگاه را بدون تمایل آنها تغییر داد مطابق قانون اساسی است و حکم ماده صرفاً یک تأکید است برای حفظ استقلال قضات دادگاه تا از اعمال فشار و نفوذ بر آنها جلوگیری شود.

۲- اظهار نظر کارشناسی

۱-۲- مفهوم ذیل ماده (۵) مشعر این معناست که قضات غیر عضو دادگاه‌های عالی انتظامی قضات و دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات را می‌توان بدون تمایل آنها تغییر داد، در این صورت مفهوم مخالف این عبارت مغایر اصل ۱۶۴ به نظر می‌رسد.

۲-۲- اطلاق این ماده مغایر اصل ۱۶۴ قانون اساسی است؛ چرا که به صلاحیت رئیس قوه قضاییه برای تغییر آنها اشاره‌ای نشده است.

ماده (۶)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- پیشنهاد حذف کل ماده (۶) شده است، در خصوص بند (۳) (ترفع پایه قضایی) حق است یا امتیاز؟ اگر حق است باید به صورت خودکار و آنگونه که در گروه کارمندان دولت مقرر است صورت پذیرد نه اینکه منوط به تصویب این دادگاه باشد و طولانی گردد و قضات آزرده خاطر گردند.

- در بند (۷) آمده «سایر امور به موجب قوانین خاص» منظور از قوانین خاص چیست؟ در بند (۶) که «اظهارنظر در خصوص اشتباه و تقصیر قاضی» آمده است ضمانت اجر ندارد و اساساً درست نیست که رسیدگی به دعوی جبران خسارات ناشی از تقصیر موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی در صلاحیت دادگاه عالی نهاده شود.

ب - موافق

- تمام قوت این لایحه ماده (۶) آن است و تلاش این بوده است که صلاحیت دادگاه انتظامی شرایط قانونی و مؤثری پیدا کند. منظور از قوانین خاص، همان قوانینی خاصی است که بر مبنای آنها آیین نامه‌ها و مقررات خاص تنظیم شده است اگر ماده (۶) حذف گردد عملاً ماهیت نظارتی این لایحه که همان نظارت بر رفتار و عملکرد قضات است دچار خدشه می‌گردد. ترفیع و رسیدگی به تخلفات را باید دادگاه عالی بررسی و تصمیم‌گیری کند و نه نهاد دیگر و این ماده (۶) برای این لایحه ضروری است.

- دولت موافق ماده (۶) اعلام نظر کرده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

۱-۲- بند (۶) این ماده که اصل احراز تقصیر یا اشتباه قاضی را در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی دانسته است و رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از آن را با ارجاع به ماده (۳۱) همین لایحه در صلاحیت دادگاه عمومی تهران قرار داده است موجب اطلاع دادرسی و تضییع حق دادخواهی افرادی می‌گردد که از تقصیرات و اشتباه قضات دچار آسیب شده‌اند؛ چرا که دو مرجع دوگانه و متمایز مشخص شده که هر یک به یک جنبه از موضوع رسیدگی می‌کنند و این مسأله مغایر با حق دادخواهی و جلوگیری از اطلاع

دادرسی است بر همین اساس این بند مغایر اصل ۳۴ قانون اساسی (به دلیل محدود کردن حق دادخواهی) و سیاست‌های کلی قضایی (بخش امنیت قضایی) است که بر کاهش اطلاع‌رسانی و رسیدگی و کاستن مراحل دادرسی تأکید ورزیده است.

۲-۲. مفاد بند (۳) در تبصره (۵) ماده (۱۴) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت پیش‌بینی شده است و جنبه اداری دارد و ارتباطی با صلاحیت‌های دادگاه ندارد؛ زیرا امور اداری بر اساس بند (۳) اصل (۱۵۸) جزو صلاحیت رئیس قوه قضائیه است.

۳-۲. بند (۶) موجب اطلاع دادرسی است و از این جهت مغایر سیاست‌های کلی قضایی (بخش امنیت قضایی) است.

۴-۲. بند (۷) از این جهت که بعضی از قوانین مورد نظر قبل از انقلاب اسلامی تصویب شده‌اند و مغایر قانون اساسی و شرع هستند ابهام دارد.

ماده (۷)

۱- دلایل موافق و مخالف

موافق: در مورد اینکه چه مرجعی کیفرخواست رسیدگی به تخلفات اعضای دادگاه انتظامی قضات را صادر کند، بهترین مقام یا مرجع را دادستان کل کشور یافتیم، چون دادستان انتظامی خودش زیرمجموعه دادگاه انتظامی است بنابراین نمی‌تواند این کار را انجام دهد، دادستان کل کشور مجتهد است و توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد به همین جهت برای این کار (صدور کیفرخواست برای اعضای دادگاه انتظامی) مناسب است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی ندارد.

ماده (۸)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

ایراد و مغایرتی در این ماده وجود ندارد.

ماده (۹)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

عبارت آخر ماده (۹۰) یعنی «در ده سال اخیر خدمت خود محکومیت انتظامی درجه سه یا بالاتر نداشته باشد» باید حذف گردد چرا که دادستانی که خودش محکومیت درجه یک تا سه داشته باشد چگونه می‌خواهد بر بقیه قضات نظارت کند و مرجع رسیدگی به صلاحیت قضایی و تخلفات قضات باشد. معنای این عبارت همچنین این است که اگر قبل از ده سال هر نوع تخلفی داشته باشد مثلاً سوء استفاده از اموال عمومی و ... بلاشکال است، این حکم قابل قبولی نیست. این حکم جایگاه دادستان، دادیار و معاون را متزلزل می‌کند.

ب - موافق

شرط اینکه در ده سال اخیر خدمت مرتکب تخلف درجه سه و بالاتر نشده باشد لازم و ضروری است چرا که حذف این شرط در این ماده به معنای این است که اگر کسی هر تخلفی هم داشته باشد می‌تواند دادستان انتظامی بشود به علاوه مجازات‌های اداری درجه یک تا سه بسیار ضعیف است همانند توبیخ بدون درج در پرونده و مربوط به مسائل غیرارادی و غیر عمد و سهوی است و اینکه قاضی پیدا شود که اصلاً در سابقه خدمتی او هیچ نوع محکومیتی یافت نشود بسیار نادر است و کم است و اگر این حکم حذف گردد شرایط بدتر می‌گردد.

- دولت موافق این ماده اظهار نظر کرده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی ندارد.

ماده (۱۰)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

ممکن است قبل از ده سال قاضی مرتکب تخلفات سنگین و عمدی نظیر سوء استفاده از اموال دولتی و... شده باشد بنابراین چرا باید به قاضی‌ای که دارای این تخلفات است اجازه دهیم که خودش بر قضات دیگر نظارت کند.

ب - موافق

باید وسعت نظر داشته باشیم و از وجود افراد با کفایت استفاده کنیم اگر مورد جزئی یا سهوی هم بوده است نباید مانع از این بشود که از آنها استفاده کنیم. وقتی که می‌گوییم در ده سال اخیر این تخلفات را نداشته باشد، ده سال مدت کمی نیست اگر در ده سال این تخلفات را نداشته باشد می‌تواند دادیار یا معاون دادستان انتظامی باشد. - نظر دولت: دولت در مورد این ماده اعلام موافقت نموده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به صراحت اصل ۱۵۸ از صلاحیت‌های رییس قوه قضاییه است بنابراین تعداد معاونین و دادیاران دادستان در این ماده باید به تأیید و تصویب رییس قوه قضاییه برسد، در غیر این صورت مغایر اصل ۱۵۸ می‌باشد.

ماده (۱۱)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

۱-۲- بر اساس اصل ۱۶۴ قانون اساسی تنها در صورت مصلحت جامعه آن هم با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل تغییر محل خدمت امکان‌پذیر است در این اصل صلاحیتی برای دادسرای انتظامی قضات مبنی بر پیشنهاد انتقال قضات مقرر نشده است از این رو بند (۵) این ماده مغایر اصل ۱۶۴ قانون اساسی و به تبع آن بند (۴) ارتباط با صلاحیت‌های ذاتی دادسرا ندارد و

جزو صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه است.
۲-۲- بند (۷) ابهام دارد.

ماده (۱۲)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

به نظر می‌رسد تفویض نظارت و ارزشیابی عملکرد قضات، ترفیع پایه قضایی، ارتقای شغلی و اعطای پایه تشویقی به آیین‌نامه بدون تعیین ضابطه مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌باشد؛ چرا که این امور ماهیت تقنینی دارد به علاوه تعیین نحوه بازرسی توسط رئیس قوه قضائیه مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌باشد؛ چرا که او حق وضع آیین‌نامه را ندارد.

ماده (۱۳)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

ایراد و مغایرتی ندارد.

ماده (۱۴)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

کار قضایی بسیار زیاد است و ارباب رجوع و تعداد پرونده‌ها زیاد است. بنابراین انصاف نیست اگر قضایی یک کلمه ناخوانا نوشت تخلف انتظامی محسوب گردد بنابراین عبارت «ناخوانا نوشت» باید حذف گردد.

ب - موافق

چون قضات با ناموس، مال و جان مردم سر و کار دارند بنابراین هرچقدر در مورد آنها سخت‌گیری بشود به نفع حقوق مردم است و حتی به نفع خود دستگاه قضایی است و حذف این عبارت «ناخوانا نوشتن» موجب سست شدن پایه‌های دادرسی می‌گردد. این مواردی که در این ماده آمده است به تأسی از آیین دادرسی کیفری است، الزامات آیین دادرسی کیفری در اینجا آمده است. بنابراین نباید حذف گردد.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرتی ندارد.

ماده (۱۵)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- ممکن است یک قاضی مریض باشد و نتواند بر سر کار حاضر گردد. این موارد باید مشخص گردد. بنابراین این ماده ناقص است و رعایت نکردن قواعد صلاحیت که در این ماده به عنوان تخلف ذکر کرده است، در صلاحیت خود قاضی است که خودش، صلاحیت خودش را تشخیص دهد.

- در بند (۶) هیچ تعریفی از واژه «نزاکت» نشده است و گفته است «یا به مناسبت آن» و این هم ابهام دارد و تعریف نشده است و واژه «نزاکت» تفسیربردار است و این نوع قانونگذاری شفاف نیست و تشخیص آن مشخص نیست با چه کسی است.

ب - موافق

- منظور از «نزاکت» که در موارد بعدی هم آمده است همان انضباط اداری است. یک مقوله عرفی است، اگر حذف گردد به معنای نادیده گرفتن تخلفاتی است که به این مناسبت رخ می‌دهد. و از سوی دیگر نمی‌توان همه واژگان قانون را توضیح داد چرا که در این صورت قانون بسیار مطول می‌گردد.

- منشأ رفتار خارج از «نزاکت» بیشتر عرف و شرع است.

۲- دولت موافق بوده است.

۲- اظهارنظر کارشناسی

تذکر: در بند(۶) بعد از واژه «انجام وظیفه» کلمه «یا» جا افتاده است، لازم است این واژه اضافه گردد تا معنای عبارت کامل گردد.

ماده(۱۶)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهارنظر کارشناسی

مفهوم مخالف بند(۲) این ماده این است که قضات مکلفند در همه مواردی که قوانین مقرر کرده‌اند به مفاد اسناد رسمی اعتبار ببخشند، این در حالی است که بسیاری از قوانین نظیر قانون ثبت مصوب قبل از انقلاب هستند و شورای نگهبان نظارت شرعی بر آنها اعمال نکرده است. از این رو این تکلیف در مواردی که مفاد اسناد رسمی با حجیت بینة شرعیه در تعارض باشد شائبه مغایرت شرعی را به ذهن متبادر می‌نماید.

ماده(۱۷)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- پیشنهاد می‌گردد به طرح اصلی بازگشت داشته باشیم و «ارتباط نامتعارف قضات با محکومین و متهمین و صاحبان ثروت» را به هم به عنوان تخلف اضافه کنیم چرا که در شهرستان‌های کوچک ممکن است این امر رخ دهد.

- در بند(۵) آمده است پذیرفتن غیر متعارف هدیه، غیرمتعارف بودن آن را چه کسی تعیین می‌کند؟ این کلمه غیر متعارف به هدیه بر نمی‌گردد در حقیقت یعنی «پذیرفتن غیر متعارف» پس یعنی آنچه که متعارف شده است قبول است و هدیه‌های اقوام ربطی

به جایگاه قضایی ندارد.

ب - موافق

- کلمه «غیر متعارف» نباید حذف گردد چرا که اگر مثلاً اقوام قاضی برای او هدیه‌ای آوردند، این به عنوان رشوه و هدیه غیر متعارف تلقی نگردد.
- دولت با حذف عبارت «غیر متعارف» در بند (۵) مخالف است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

واژه «پذیرفتن غیر متعارف هرگونه هدیه» مندرج در بند (۵) ابهام دارد. مفهوم مخالف این عبارت مشعر بر این مطلب است که پذیرفتن متعارف هدیه به اعتبار جایگاه قضایی، خلاف مقررات انتظامی نیست (بلاشکال است)، از این رو این حکم مغایر شرع می‌باشد.

ماده (۱۸)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۱۹)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۲۰)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

این ماده دارای شفافیت قانون‌نویسی نیست، به عنوان مثال معلوم نیست که «مجازات بیشتر» برای تعدد جرم توسط قاضی چیست و درست‌تر آن است که شفاف و روشن شود تا مانع از مجازات کیلویی و سلیقه‌ای شویم. نماینده دیگری نیز در مقام مخالف این ماده را مبهم و بی‌اثر دانسته است که مثلاً قاضی‌ای که منفصل از خدمت شده است چگونه می‌توان آن را مجازات انتظامی کرد و یا چرا سقف و کف مجازات بیشتر تعیین نگردیده است. این نماینده پیشنهاد حذف داده است که تصویب نگردید.

ب - موافق

یکی از نمایندگان و نماینده دولت و نماینده کمیسیون این ماده را ضروری دانسته‌اند که منجر به ایجاد تمایز بین قاضی‌ای که مجدداً مرتکب تخلف شده است با کسی که برای اولین بار جرمی را انجام داده است، می‌گردد. به علاوه مجازات بیشتر یک اصل پذیرفته شده در حقوق جزا است. نکته دیگر آنکه مجازات‌ها در این قانون درجه‌بندی شده است و مفهوم مجازات ردیف ۸، ۹ و ۱۳ کاملاً با هم مشخص است و شدت و ضعف دارد.

۲- اظهارنظر کارشناسی

این ماده مقرر داشته است که در صورت تکرار تخلف، مرتکب به مجازاتی بیشتر از مجازات قبلی محکوم می‌گردد؛ یعنی سقف و حداکثر مجازات تعیین نشده است از این‌رو مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی است.

ماده (۲۱)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهارنظر کارشناسی

تسری شاخص موضوع ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی مدنی که با شرایط خاص مورد تأیید قرار گرفته است (وجه رایج، دارا بودن مدیون، طلب کردن دائن و... و مربوط

به دعاوی است) به کسورات حقوق قانونی، صندوق بازنشستگی و جاهت شرعی ندارد از اینرو شائبه مغایرت شرعی وجود دارد.

ماده (۲۲)

عبارت «تأمینده قانونی» مندرج در بند (۱) که حضور اشخاص غیر از وکیل دادگستری را به ذهن متبادر می‌کند مغایر بند (۱۰) اصل ۳ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

ماده (۲۳)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - پیشنهاد

یکی از نمایندگان پیشنهاد کرده است تا دادگاه انتظامی قضات همانند دیوان عدالت اداری امکان حضور شاکی همه شهرستان‌ها در آن فراهم گردد و این در تبصره آورده شود که «شاکی می‌تواند برای شکایت یا اطلاع از روند پرونده به دادسرای انتظامی قضات نیز مراجعه نماید».

ب - مخالف پیشنهاد

نماینده مخالف پیشنهاد دو نکته را در رد پیشنهاد بالا مطرح ساخته است؛ نخست آنکه ازدحام و کم تأثیری حضور مردم در دادگاه عالی و دیگر اینکه این امر یک مسأله اجرایی و محدود است که در آیین‌نامه آورده خواهد شد و نیازی به تصریح نیست و این ماده ممانعتی برای مراجعه مردم ایجاد نکرده است.

ج - موافق

موافق بر آن است که مردم (شاکی) باید بتوانند به تهران بیایند و پیگیر باشند و گرنه آرام نمی‌گیرند. در غیر اینصورت مردم به نزد ما می‌آیند و ما کاری برای آنها نمی‌توانیم بکنیم.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

تذکر: با توجه به اینکه در ماده (۲۲) جهات قانونی برای شروع تعقیب و رسیدگی انتظامی تصریح به یکی از شش مورد مقرر در آن شده است، لذا حکم ماده (۲۴) از آن جهت که اجازه می‌دهد دادیار در صورت کشف تخلف دیگری از یک قاضی، رسیدگی و اظهار نظر نماید با ماده (۲۲) همین لایحه متعارض است.

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

این ماده در عمل طفیلی و دنباله ماده (۲۵)^(۱) است، زیرا مخالف شرع است و دلیلی وجود ندارد قاضی‌ای که حقی را تضییع کرده است به هر دلیلی پیگیری پرونده وی متوقف شود و حق الناس نادیده گرفته شود. ادبیات و شرایط این اصل به گونه‌ای است که منجر به از بین رفت حق مردم می‌شود.

ب - موافق

- نکته نخست آنکه مرور زمان و یا تعیین دلایلی برای پایان دادن به فرایند رسیدگی خلاف شرع نیست و قبلاً نیز شورای نگهبان این امر را تأیید کرده است.
- مسأله مرور زمان و تعیین شرایط ختم پرونده در آیین دادرسی یک اصل مهم و ضروری برای نظم‌بخشی است و از ضروریات نظم عمومی است.
- دلیل دیگر آنکه این امر و دلایل در جرایم پذیرفته شده و به طریق اولی در تخلفات که ضعیف‌ترند نیز پذیرفته می‌شوند.

۱. منظور ماده (۲۵) لایحه است که در آن مرور زمان مجازات‌های انتظامی پیش‌بینی شده بود که در نهایت تصویب نشد.

- نکته دیگر آنکه این امر ربطی به احقاق حق مردم ندارد بلکه مرتبط با تخلفات قاضی است و بدیهی است که قاضی که فوت شده یا دیگر سمت قضایی ندارد و... نمی‌توان وی را به اعتبار منصبی که دیگر ندارد مورد بازخواست قرار داد و دیگر اینکه حق مردم در جای خودش قابل مطالبه است و اگر حقی ضایع شده باشد باید جبران گردد.

۲- اظهار نظر کارشناسی

در بند (۲) چون مدت مرور زمان مشخص نشده است واجد ابهام می‌باشد.

ماده (۲۶)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- نخستین مخالف این ماده بر آن بوده که این ماده به مجازات برای سازمان‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی اشاره‌ای ندارد و مجازات را تنها شامل ارگان‌ها و... دولتی کرده است. این مخالفت مورد قبول مجلس قرار گرفت و واژه دولتی از ماده حذف گردید تا همه نهادها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی را شامل گردد.

- یکی دیگر از نکاتی که در قالب ابهام یا مخالفت نسبت به ماده (۲۷) بیان گردیده اطلاق واژه اسناد است و اینکه آیا اسناد سری و فوق محرمانه یا حتی نظامی را هم شامل می‌شود یا نه مثلاً آیا مصلحت است که وزارت اطلاعات اسنادی را که قاضی از آن می‌خواهد در اختیارش بگذارد یا نه.

- یکی دیگر از ابهامات این ماده قید واژه «فوریت» است که بایستی شفاف‌تر بیان نمایند که به چه معناست و کف و سقف آن چیست.

۲- اظهار نظر کارشناسی

چون اطلاق ماده (۲۶) مشمول اسناد و اطلاعات سری و محرمانه می‌گردد و برخی از مؤسسات عمومی غیردولتی تحت نظر رهبری هستند بنابراین نیازمند اذن معظم‌له می‌باشد از این جهت اطلاق آن مغایر اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۲۷)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۲۸)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- مخالف این ماده پیشنهاد حذف قسمت دوم ماده را داده است و بر آن است که این ماده با بند (۷) ماده (۱۱) تناقض دارد؛ چرا که در آنجا قرار تعقیب و یا تعلیق قاضی را به عهده دادستان گذارده است و در غیاب وی معاون اول او این امر را به عهده دارد اما در اینجا این ماده نقض شده است و دادیار هم می‌تواند قرار پیگیری و تعقیب قاضی برخلاف نظر دادستان صادر نماید و این با روح این طرح و شأن قاضی منافات دارد، لذا بخش اول صحیح است اما بخش دوم باید حذف گردد.

- مخالف دیگر گفته است قرار دادن مسئولیت و شأن موازی بین دادیار و دادستان در این ماده منجر به اطالة دادرسی می‌گردد و شفافیت و دقت و سرعت را از این ماده گرفته است.

ب - موافق

- موافق این ماده بیان کرده که اگر قسمت دوم این ماده حذف گردد کل ماده (۲۹) ابتر می‌ماند.

- نکته دیگر اینکه در هر صورت در صورت اختلاف نظر دادستان و دادیار باید راه‌حلی اندیشیده شود و اینجا راه را مشخص کرده که در صورت اصرار دادیار به نظر خود به دادگاه عالی می‌رود و نظر دادگاه عالی برای دادستان هم متبع است و باید پیروی کند و دادستان باید در نهایت قرار تعقیب صادر کند.

- نکته دیگر آنکه ماده (۱۱) با این ماده چندان مرتبط نیست، ماده (۱۱) در مورد جرم عمومی قاضی است و گفته که ابتدا باید تعلیق شود تا بتوان او را احضار کرد. رویکرد این طرح و ماده این است که حتی المقدور تخلف قضات بررسی شود.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۲۹)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- برخلاف هدف این طرح و تصریح ماده (۲۹) که تصویب شد، ماده (۳۰) مقرر داشته که اگر دادستان خواست می‌تواند «منع تعقیب» صادر نماید و حتی اختیاراتی را که در ماده (۲۹) به دادیار داده است را نپذیرفته است حتی در صورت احراز تخلف.

- استدلال دیگر مخالفان آن است که این ماده با ماده (۱۶) تناقض دارد؛ چگونه می‌توان تخلف قاضی در استفاده از اموال دولتی یا عمومی را به خاطر حسن سابقه‌اش بخشید و منع تعقیب زد، در کل با ماده (۱۶) تناقض آشکار دارد.

ب - موافق

- امروزه قضازدایی یک اصل است و اگر دادستان ببیند که قاضی درستکار و باسابقه‌ای تخلف سهوی و کوچکی انجام داده مثلاً اسمش را ننوشته و... می‌تواند منع تعقیب صادر نماید، این امر بازدارنده و منجر به حفظ شأن قاضی می‌شود و شبیه این امر در قوانین عادی و جزایی ما هم وجود دارد.

- نکته دیگر اینکه اختیار دادستان تا تخلفات درجه ۸ است که بیشتر تخلفات سهوی و ساده است و ردیف ۸ به بالا را شامل نمی‌شود.

- این ماده یک تذکر قانون اساسی هم داشته است که بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی بوده است و بیان شده که نسبت به قضات تبعیض قائل شده و آنها را در صورت ارتکاب خلاف مبری دانسته است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۳۰)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- نخست آنکه در قانون اساسی نیامده که رسیدگی به اینگونه دعوها در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است و در اینجا آمده است.

- نکته دیگر اینکه عملاً قضات را موظف به حضور و محاکمه در سه مرجع کرده است و این ظلم مضاعف به قضات است؛ دادسرای انتظامی، دادگاه عالی و سپس دادگاه عمومی تهران.

- در صورتی که جرمی انجام گیرد بهتر است در همان دادسرا و همان محکمه رسیدگی شود.

ب - موافق

- این ماده از جمله نقاط قوت این طرح است و برای اولین بار اصل ۱۷۱ را اجرایی ساخته و شفاف کرده است. حضور در دادگاه عمومی تهران هم نقطه مثبتی است و هرگونه ابهام را از بین می‌برد و مباحثی چون دوستی، ارتباط قضات با یکدیگر و... را کم می‌کند.

- به علاوه رسیدگی به دعوای جبران خسارت با رسیدگی به تخلف قاضی متفاوت است یعنی اثبات قصور یا اشتباه و تقصیر قاضی موکول به تأیید یا نظر دادگاه عالی شده است و این رویه هم استاندارد جهانی است و در موارد دیگر هم در نظام قانونی ایران اینگونه است.

- فرایندی که این ماده مشخص ساخته منطقی است و بدیهی است که تأیید جرم یا تخلف قضات باید در یک دادگاه ویژه با شرایط ویژه باشد و نخست یک دادگاه تخصصی اعلام نظر کند تا بتوان تعیین خسارت نمود.

۲- اظهار نظر کارشناسی

حکم این ماده مراجع دوگانه رسیدگی را مقرر نموده که این مسأله موجب تعدد مراحل رسیدگی و اطاله دادرسی می‌گردد بنابراین محدودیت دادخواهی افراد را موجب می‌گردد، از این رو مغایر اصل ۳۴، بند (۱۴) اصل ۳ (تأمین امنیت قضایی عادلانه) و سیاست‌های کلی نظام (امنیت قضایی که بر کاهش مراحل رسیدگی تأکید نموده است) می‌باشد.

ماده (۳۱)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

در این ماده به قضات ظلم مضاعف شده است و حتی حقوق شهروندی آنها مورد خدشه قرار گرفته و بیان گردیده در صورت درخواست موضوع از دادگاه عالی و در صورتی که دادگاه عالی متخلف بداند مجازات می‌کند، این ماده یک تهدیدنامه است و جرأت قضات را می‌گیرد.

ب - موافق

موافق، این ماده را ماده خوبی دانسته و بر آن است که طبیعی است اگر دادگاه دوباره درخواست قاضی را مطرح کند و هزینه و وقت بگذارد در نهایت حکمی صادر کند و این حکم همان حکمی است که برای جرم و تخلفش مقرر بوده است اما به دلایلی منع تعقیب خورده یا به گونه‌ای ترحمی تا حالا متوقف بوده است و اینکه قاضی اصرار دارد بررسی مجدد می‌شود و در صورت تأیید مجدد حکم صادر و قاضی مجازات می‌گردد.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۳۲)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۳۳)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۳۴)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

ابلاغ کیفرخواست قضات شاغل در سازمان‌های مستقل نظیر سازمان بازرسی، دیوان عدالت اداری و ... توسط رئیس کل دادگستری استان، مغایر با بند (۱۰) اصل ۳ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

تذکر: در تبصره (۱) عنوان قانون آیین دادرسی مدنی کامل ذکر گردد.

ماده (۳۵)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۳۶)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- این ماده قاضی را از حقوق اولیه محروم ساخته و بیان داشته که تا مجازات‌های ردیف ۵ که کسر حقوق نیز هست نمی‌تواند اعتراض کند و حکم قطعی است در حالی که قانون اساسی این حق را برای همه شناسایی کرده است. به علاوه مجازات کسر از حقوق بر خانواده او تأثیر منفی می‌نهد و باید شرایطی فراهم گردد که قاضی بتواند اعتراض کند.

- این ماده مخالف اصل ۳۴ قانون اساسی است که دادخواهی را حق همه دانسته است.

ب - موافق

قطعی بودن برخی احکام دادگاه بدوی مختص به این ماده نیست و در احکام دیگر نیز این امر وجود دارد مثلاً یک سوم دیه در دادگاه بدوی. به علاوه هر حکمی منجر به فشار بر اطرافیان می‌شود و به این اعتبار نمی‌توان هیچ حکمی و مجازاتی صادر نمود. نکته دیگر آنکه مجازات‌های یک تا ۵ شامل توبیخ و کسر حقوق هستند و محدودند، لذا آنقدر اهمیت ندارند که قابل تجدیدنظر باشند.

۲- اظهارنظر کارشناسی

- قطعی بودن و عدم قابلیت اعتراض به مجازات‌های تا درجه ۵ نافی یکی از عناصر حق دادخواهی (حق تجدیدنظرخواهی) است و از این جهت مغایر اصل ۳۴ و بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

- قائل نشدن حق تجدید نظر خواهی برای شاکی مغایر اصل ۳۴ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۳۷)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر خاصی ایراد نگردید؛ فقط یکی از نمایندگان پیشنهاد داد که به جای عبارت «در همان دادگاه رسیدگی شود» عبارت «در دادگاه انتظامی هم‌عرض رسیدگی بشود» آورده شود که مورد موافقت قرار نگرفت.

۲- اظهار نظر کارشناسی

تذکر: عنوان قانون آیین دادرسی کیفری کامل ذکر گردد.

ماده (۳۸)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

اجرای حکم توسط دادسرا موجب افزایش تشریفات زائد می‌گردد و مغایر بند (۱۰) اصل ۳ مبنی بر پی‌ریزی نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور می‌باشد.

ماده (۳۹)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- این ماده افراط در قانونگذاری است و اصل را بر مجرم بودن قاضی گذارده است. نباید اینگونه باشد که قبل از اینکه قاضی محکوم شود و رأی قطعی بگیرد برایش حکم تعلیقی صادر شود.

- «مظان اتهام» معنی ندارد، اینکه در مظان اتهام است و ما تعلیقش کنیم، این امر حتی در مورد کارمندان دیگر و شهروندان هم رایج نیست.

- از جهت عملی هم اعمال این ماده در شهرستان‌های کوچک که همه قاضی را می‌شناسند بسیار سخت است و عملاً آبرو و شأن قضایی وی صدمه می‌بیند تا تأیید قطعی حکم قاضی نباید اقدامی شبیه تعلیق یا اتهام صورت بگیرد.

ب - موافق

این ماده کاملاً در راستای قانون اساسی به ویژه بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی است و با همه متهمان همین برخورد صورت می‌گیرد و از این جهت قاضی نباید مصونیت خاصی داشته باشد و اگر این ماده در طرح نباشد کل طرح دچار مشکل می‌شود. قاضی که متهم است می‌تواند سند بیاورد و آزاد شود یا از اتهام بری شود.

۲- اظهار نظر کارشناسی

در تبصره (۲) حق دفاع قاضی در نزد دادگاه عالی انتظامی نادیده گرفته شده و به اقتضاء و تشخیص دادگاه محول شده است این در حالی است که حق دفاع از اصول مسلم حقوقی و دادرسی منصفانه است که از عناصر حق بر دادخواهی محسوب می‌گردد. از این رو این تبصره مغایر اصل ۳۴ و بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد؛ چرا که امنیت قضایی را برای قضات به خطر می‌اندازد.

ماده (۴۰)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

۱-۲ تذکر: عبارت «ماده (۴۰)» در متن این ماده باید به ماده (۳۹) تغییر یابد.
۲-۲ احضار قاضی صرفاً از طریق رئیس دادگستری مغایر پی‌ریزی نظام اداری صحیح است؛ چرا که به عنوان نمونه منطقی نخواهد بود قضات دیوان عدالت اداری یا سازمان قضایی از طریق رئیس دادگستری احضار شوند بر همین اساس مفاد این ماده مغایر بند (۱۰) اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۴۱)

قائل شدن حقو مصونیت برای محل سکونت و اماکن در تصرف قضات مغایر اصل برابر همه در برابر قوانین و مغایر اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۴۲)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

بازرسی محل سکونت قضات علی‌الاطلاق بدون تمایز میان قاضی و بستگان او بر طبق تشریفات مقرر در این قانون چون شامل افراد غیرقاضی هم می‌شود متضمن تبعیض ناروا و ناقض امنیت قضایی عادلانه است، بر همین اساس مغایر بندهای (۹) و (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۴۳)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

این ماده مفهوم واضحی ندارد به علاوه اینکه این ماده ظلم مضاعف بر قضات است، چه دلیلی دارد که یک قاضی به خاطر یک جرم دو بار مجازات شود.

ب - موافق

در حال حاضر در تخلفات اداری هم چنین ماده‌ای وجود دارد. حیث جزائی و کیفری با حیث انتظامی و اداری متفاوت است. مثلاً شأن قضایی ویژه قضات است و در امور انتظامی قابل بررسی است نه دادگاه‌های عمومی.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۴۴)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

دیدگاه اول: از آنجا که اصل ۱۶۴ تصریح نموده که قاضی را فقط در صورت اثبات

جرم یا تخلف می‌توان از کار برکنار کرد و خارج از این موارد نمی‌توان او را از کار برکنار کرد بنابراین اصل تأسیس این دادگاه که نه مبتنی بر اثبات تخلف (که در دادگاه انتظامی رسیدگی می‌گردد) و نه اثبات جرم (که در دادگاه کیفری رسیدگی می‌گردد) می‌باشد، مغایر صریح مفاد اصل ۱۶۴ قانون اساسی است.

دیدگاه دوم: در قانون اساسی دو روش برای عزل قضات پیش‌بینی شده است:

۱- ترتیب مقرر در اصل ۱۶۴ قانون اساسی است.

۲- بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی که به رئیس قوه قضائیه اجازه عزل قضات را بر طبق قانون داده است؛ بنابراین رئیس قوه قضائیه حق عزل قضات را مثلاً در صورت از دست دادن شرایط شرعی دارد؛ بر همین اساس آرای این دادگاه باید به تأیید رئیس قوه قضائیه برسد و الا مغایر بند (۳) اصل ۱۵۸ می‌باشد.

ماده (۴۵)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

۱-۲- عضویت معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری در کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات، دخالت قوه مجریه در امور قوه قضائیه و مغایر استقلال این قوه و قضات محترم است به علاوه بر اساس اصل ۱۶۰ چنین صلاحیتی برای وزارت دادگستری پیش‌بینی نشده است از این رو مغایر اصل ۱۶۰ می‌باشد و از این جهت که موجبات دخالت قوه مجریه در قوه قضائیه و خدشه‌دار کردن استقلال قضات را فراهم کرده مغایر اصول ۱۵۶ و ۵۷ قانون اساسی می‌باشد.

۲-۲- الزام وزیر دادگستری به داشتن معاون حقوقی و امور مجلس مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی است؛ چرا که از زمره مسائل اجرایی است که مجلس را یارای تجاوز و دخالت در آن نخواهد بود. همچنین این الزام مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۴۶)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

تبدیل وضعیت قاضی به اداری در زمره صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه است. بنابراین بند (۱) مغایر بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۴۷)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

عبارت «عدم توانایی» واجد ابهام است، مشخص نیست منظور عدم توانایی علمی است یا فیزیکی و جسمانی.

ماده (۴۸)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی‌رسد.

ماده (۴۹)

۱- دلایل موافق و مخالف

الف - مخالف

- پیشنهاد حذف این ماده شده است، با مقایسه ماده (۵۰) و (۵) متوجه خواهیم شد که شأن دادگاه رسیدگی به صلاحیت قضات بالاتر از دادگاه عالی انتظامی قضات است. در ماده (۵۰) از گروه (۱۱) و (۱۲) برای قضات دادگاه رسیدگی به صلاحیت اشاره شده است،

اما در ماده (۵) نسبت به دادگاه انتظامی به بالاترین گروه برای قضات اشاره شده است و این دو با هم در تعارض و تضاد هستند.

- شرط داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه کار قضایی زائد است و بهتر است حذف گردد؛ یعنی بهتر آن است از قضات گروه (۱۱) و (۱۲) که شرایط لازم را دارند استفاده بشود. سابقه کار ۲۰ سال لازم نیست، ممکن است یک قاضی در گروه (۱۱) باشد، همه شرایط را داشته باشد اما ۱۹ سال سابقه قضایی داشته باشد، نباید نتوان از این افراد استفاده کرد. با حذف ۲۰ سال سابقه یک نوعی مشکل حل می شود و می توان از قضات مثلاً با سابقه ۱۹ سال هم استفاده کرد.

ب - موافق

- این ماده مشکلی ندارد. قضاتی که در گروه (۱۲) هستند بسیار کم هستند و چند نفر هستند، دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور هستند. بنابراین اجازه داده شده که اگر به تعداد کافی نبود دست رئیس قوه قضائیه برای این کار باز باشد.

- این قضات بر حسب پست و موقعیت شغلی اشان گروه (۱۱) و (۱۲) را اشغال کرده اند. ممکن است یک قاضی بدون اینکه ۲۰ سال سابقه کار قضایی داشته باشد دارای گروه (۱۱) و (۱۲) شده باشد و حال آنکه بحث ما در ارتباط با دادگاه عالی صلاحیت است و می خواهد صلاحیت را احراز کند، خطیر است و ۲۰ سال سابقه کار قضایی در اینجا ضرورت دارد.

- دولت مخالف حذف ۲۰ سال سابقه کار قضایی است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی ندارد.

ماده (۵۰)

۱- دلایل موافق و مخالف

پیشنهاد حذف تبصره این ماده می گردد و در نهایت پس گرفته می شود.

۲- اظهار نظر کارشناسی

از آنجا که عزل قضات در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است، اجرای رأی دادگاه بدون تأیید رئیس قوه قضائیه مغایر بند (۳) اصل ۱۵۸ قانون اساسی می باشد.

ماده (۵۱)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

تذکر: به جای فعل «است» بهتر است از فعل «باشد» استفاده گردد.

ماده (۵۲)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

اجرای حکم توسط دادسرا موجب افزایش تشریفات غیرضروری می گردد و مغایر بند (۱۰) اصل ۳ قانون اساسی می باشد.

ماده (۵۳)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

مغایرت و ایرادی به نظر نمی رسد.

ماده (۵۴)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

تذکر: عنوان قانون آیین دادرسی مدنی کامل ذکر گردد.

ماده (۵۵)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

اختیار تصویب آیین نامه برای رییس قوه قضاییه مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی می باشد.

ماده (۵۶)

۱- دلایل موافق و مخالف

نظر موافق و مخالفی ابراز نشده است.

۲- اظهار نظر کارشناسی

تذکر: در بند (۹) ماده (۵۶) بعد از کلمه «راجع» لازم است واژه «قانون» اضافه گردد.

۲- اصلاحیه لایحه رسیدگی به جرایم رانندگی

با توجه به ایراد شورای نگهبان، به نظر می رسد مواردی وجود دارد که جنبه

آیین‌نامه‌ای ندارد و جزء صلاحیتهای قانونگذار می‌باشد و مراجع شبه تقنینی (مقررات‌گذاری) نیز نمی‌توانند در این حیطه وارد شوند و اقدام به وضع و جعل حکم نمایند، لذا همانگونه که رئیس قوه قضائیه در خصوص موارد یاد شده صلاحیت وضع آیین‌نامه ندارد، هیأت وزیران نیز نمی‌تواند اقدام به وضع و تصویب آیین‌نامه نماید، بنابراین ایراد برطرف نشده است.

۳- اصلاحیه طرح رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

الف) بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی یکی از شرایط تصدی سمتهای موضوع این قانون، اعلام فهرست اموال و دارایی‌های مسئولان، همسر و فرزندان تحت تکفل آنان است. همانگونه که می‌دانیم شرایط و ویژگی‌های برخی از این سمتها به تصریح و به طور منجز و حصری در اصول قانون اساسی به شرح زیر تعیین شده است:

۱- رهبری (اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی)

۲- اعضای خبرگان رهبری (اصل ۱۰۸ قانون اساسی) که توسط خود خبرگان معین و مشخص می‌شود و نمی‌توان با قانون عادی دخل و تصرفی در آن نمود.

۳- رئیس‌جمهور (اصل ۱۱۵ قانون اساسی)

۴- رئیس قوه قضائیه (اصل ۱۵۷ قانون اساسی)

۵- رئیس دیوان عالی کشور (اصل ۱۶۲ قانون اساسی)

۶- دادستان کل کشور (اصل ۱۶۲ قانون اساسی)

شرایط بعضی سمتها را نیز به شرح زیر مقنن اساسی به قانون عادی موکول و

تفویض نموده است:

۱- قاضی که بر اساس اصل ۱۶۳ قانون اساسی صفات و شرایط آن طبق موازین فقهی توسط قانون معین می‌شود.

۲- نمایندگان مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۲ قانون اساسی)

۳- اعضای شوراهای اسلامی (اصل ۱۰۰ قانون اساسی)

بنابراین باید بین این دو گروه تفکیک قائل شد و در خصوص گروه اول مجلس حق اضافه نمودن شرط جدید ندارد، لذا اطلاق مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی مندرج در ماده (۱) نسبت به مصادیق گروه اول مغایر اصول مربوط (۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۵۷ و ۱۶۲) قانون اساسی است، زیرا قانونگذار اساسی در مقام بیان بوده است و این شرایط را به طور حصری ذکر کرده است و توسیع و تضییق آن در صلاحیت مجلس شورای اسلامی نیست.

ب) ایراد مندرج در بند (۲) نامه شورای نگهبان با عنایت به اضافه کردن قید «با اذن ایشان» برطرف شده است.

ج) ایراد مندرج در بند (۳) نامه شورای نگهبان، با توجه به حذف ماده (۵) رفع شده است.

د) در مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی، موضوع ماده (۱) از واژه «تحت تکفل» استفاده شده است که با عنایت به اینکه در اصل ۱۴۲ قانون اساسی از واژه «فرزندان» به صورت مطلق استفاده شده است، محل ایراد است.

۴- اصلاحیه طرح تمدید قانون استفاده از تسهیلات حساب ذخیره ارزی برای حمل و نقل ریلی و عمومی شهرها مصوب ۱۳۸۸

اصلاح به عمل آمده به این شکل که اعتبارات مورد نیاز این قانون در بودجه سال ۱۳۹۰ منظور می‌شود، رافع ایراد نیست و نمی‌توان به این امید که نمایندگان در هنگام بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور به این موضوع خواهند پرداخت و ردیف اعتباری خاص در نظر می‌گیرند، مصوبه مجلس را تأیید کرد؛ زیرا چه بسا ممکن است در هنگام بررسی لایحه مذکور اکثریت نمایندگان به چنین امری رأی ندهند، لذا تعیین یک طریق نامطمئن و محتمل و غیرقطعی را نمی‌توان بعنوان منبع تأمین اعتبار تلقی کرد. اگر مجلس اصرار به اجرای این قانون دارد، هنگام بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور با تعیین حکم لازم ردیف اعتباری مورد نظر خواست و اراده خود را عملی کند.

۵- طرح تمدید قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶

الف) مقدمه توجیهی، ضرورت‌ها و اهداف

این طرح در زمان اجراء به شدت مورد اقبال عمومی کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار گرفت. به چند دلیل تمدید آن به نفع کشور است:

- ۱- کسانی که رغبتی برای ماندن در دستگاه دولتی ندارند نگهداشتن آنها در خدمات دولتی انگیزه کاری آنها را از بین برده و مفید به حال دستگاه مربوط نخواهند بود.
- ۲- جایگزین آنها نیروی‌های جوانی خواهند بود که انگیزه لازم را دارند و انتخاب و استخدام این نیروها به تناسب نیاز جدید دستگاه خواهد بود.
- ۳- گرچه نگاه دولت بر این است که نیروهای توانمند با این قانون از استخدام دولت کناره‌گیری می‌کنند در این صورت توانمندی نیرو بدون انگیزه و علاقه یعنی همان نیروی ناتوان و ضعیف.

۴- کارآمد ساختن دستگاه‌های اجرایی در آستانه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با
ایجاد پویایی لازم در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی
۵- آزادسازی ظرفیت‌های بالقوه کارآفرینی

ب) سابقه طرح

لایحه بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت در ابتدای سال ۱۳۸۶ به منظور متناسب‌سازی و تعدیل وضعیت اشتغال نیروی انسانی در دستگاه‌های اجرایی و ارتقای کیفی سطح تحصیلات و مهارت‌های فنی و تخصصی نیروی انسانی و زمینه‌سازی برای تحقق توسعه پایدار، افزایش کارآیی و اثربخشی فعالیت دستگاه‌های اجرایی به مجلس ارائه شد. در لایحه پیشنهادی دولت، پرداخت پاداش پایان خدمت بابت سنوات ارفاقی پیش‌بینی نشده بود و بازنشستگی پیش از موعد منوط به تقاضای کارمند نبود و نیروهای پیمانی و قراردادی را نیز دربرنمی‌گرفت که در قانون مصوب مجلس این سه‌مورد به متن اضافه شد و در نتیجه قانون مصوب^(۱) به‌طور کلی از اهداف اولیه لایحه

۱. ماده واحده - به دولت اجازه داده می‌شود از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت سه سال کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را که حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت قابل قبول داشته باشند با حداکثر پنج‌سال سنوات ارفاقی بدون شرط سنی در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته نماید. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان براساس سی‌سال پرداخت خواهدشد. حداقل سنوات قابل قبول برای استفاده بانوان شاغل از این حکم بیست سال بوده و حداکثر سنوات ارفاقی آنان پنج سال خواهدبود. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان براساس سنوات خدمت قابل قبول آنان محاسبه و پرداخت خواهدشد. تبصره ۱- دستگاه‌های اجرائی مشمول این قانون مکلفند بار مالی ناشی از اجراء این قانون در سال ۱۳۸۶ را از محل اعتبارات سال جاری خود پرداخت نمایند. اعتبار مورد نیاز برای سالهای آتی در قوانین بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی و تأمین خواهد شد. تبصره ۲- سهم صندوقهای بازنشستگی بابت پرداخت حقوق بازنشستگی و نیز کسور بازنشستگی و یا حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما نسبت به سنوات ارفاقی از محل اعتبارات تبصره (۱) تأمین و به صندوقهای مذکور پرداخت خواهدشد. تبصره ۳- شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند صرفاً با استفاده از منابع مالی خود، کارکنان واجد شرایط خود را به نحو مقرر در این قانون بازنشسته نمایند. تبصره ۴- کارکنانی که به استناد این قانون بازنشسته می‌شوند از حقوق و مزایای سایر قوانین و مقررات که برای کارکنان بازنشسته در نظر گرفته شده‌است بهره‌مند خواهندبود. تبصره ۵ - آئین‌نامه اجرائی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت رفاه و تأمین

دور شد. با توجه به اینکه مهلت اجرای قانون مذکور در شهریور ۱۳۸۹ به اتمام رسید، لذا طرح مذکور جهت تمدید مهلت اجرای قانون به مدت پنج سال دیگر ارائه شد.

ج) قوانین و مقررات مرتبط

۱ - قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت - مصوب ۱۳۸۶.

۲ - ماده (۱۰۳) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶.^(۱)

د) نظر دولت

هیأت وزیران طی تصمیم‌نامه شماره ۴۶۲۲۱/۲۸۵۰۰۶ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۱ با طرح مذکور اعلام مخالفت کرده است.

ه) اظهار نظر کارشناسی

بر مبنای این قانون، امتیازاتی به شرح زیر برای کارکنانی که داوطلب بازنشستگی پیش از موعد باشند، منظور شده است: - پنج سال سنوات ارفاقی، - برخورداری از حقوق و مزایای سایر قوانین و مقررات برای کارکنان بازنشسته، - پرداخت پاداش پایان

اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۱. ماده ۱۰۳- دستگاه اجرایی با داشتن یکی از شرایط زیر می‌تواند کارمند خود را بازنشسته نماید: الف) حداقل سی سال سابقه خدمت برای مشاغل غیر تخصصی و سی و پنج سال برای مشاغل تخصصی با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر با درخواست کارمند برای سنوات بالاتر از ۳۰ سال. ب) حداقل شصت سال سن و حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت با بیست و پنج روز حقوق. تبصره ۱- سابقه مذکور در بند (الف) و همچنین شرط سنی مزبور در بند «ب» برای متصدیان مشاغل سخت و زیان‌آور و جانبازان و معلولان تا پنج سال کمتر می‌باشد و شرط سنی برای زنان منظور نمی‌گردد. تبصره ۲- دستگاه‌های اجرایی مکلفند کارمندانی که دارای سی سال سابقه خدمت برای مشاغل غیر تخصصی و شصت سال سن و همچنین کارمندانی که دارای سی و پنج سال سابقه خدمت برای مشاغل تخصصی و شصت و پنج سال سن می‌باشند را رأساً و بدون تقاضای کارمندان بازنشسته نمایند. تبصره ۳- دستگاه‌های اجرایی موظفند کارمندانی را که دارای شصت و پنج سال سن و حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت می‌باشند را بازنشسته کنند. سقف سنی برای متصدیان مشاغل تخصصی هفتاد سال است. کارمندان تخصصی فوق‌الذکر که سابقه خدمت آنها کمتر از بیست و پنج سال است، در صورتی که بیش از بیست سال سابقه خدمت داشته باشند می‌توانند تا رسیدن به بیست و پنج سال سابقه، ادامه خدمت دهند و در غیر این صورت بازخرید می‌شوند.

خدمت بر مبنای سنوات خدمت با احتساب ارفاقی. از سوی دیگر، دولت مکلف شده است، بار مالی ناشی از اجرای این قانون را شامل کسور حق بیمه سهم بیمه شده و کارفرما و همچنین حقوق بازنشستگی برای مدت پنج سال به صندوق‌های بازنشستگی بپردازد. با وجود این، اجرای این قانون محدود به سه شرط اصلی «تقاضای کارمند»، «موافقت دستگاه» و «وجود اعتبار» است. در این زمینه نکات زیر قابل تأمل است:

۱- امتیازات ناشی از این قانون برای کارکنان در مقایسه با سایر قوانین بازنشستگی بسیار جذاب و انگیزاننده است. بنابراین، اگرچه منظور از این قانون، خروج نیروهای مازاد (با بهره‌وری پایین) از دستگاه‌های دولتی بوده، اما اینگونه افراد در قبال بهره‌وری پایین خود از امتیازات ویژه‌ای برخوردار می‌شوند که کارکنان دارای بهره‌وری بالا از آن برخوردار نیستند. این در حالی است که به موجب قانون مدیریت خدمات کشوری و دستورالعمل دولت، شرایط بازنشستگی برای نیروهای تخصصی به ۳۵ سال سابقه و ۶۵ سال سن افزایش یافته است.

۲- تحقق این قانون، منوط به تقاضای کارکنان است. بنابراین، تنها کارکنانی متقاضی استفاده از این قانون می‌شوند که آن را به نفع خود ببینند. بنا به تجربه دستگاه‌های دولتی، عمدتاً افرادی متقاضی بوده‌اند که برای آنها امکان فعالیت مناسب‌تر در بخش خصوصی وجود داشته است. در واقع این افراد نیروهای دارای کیفیت بالا در دستگاه‌های دولتی هستند.

۳- از سوی دیگر، موافقت دستگاه، شرط دیگر تحقق هدف قانون است. این نکته موجب می‌شود که موافقت یا عدم موافقت با بازنشستگی هر فرد مشروط به نظر مقام مافوق و سپس رییس دستگاه شود.

۴- موافقت با بازنشستگی پیش از موعد در هر حالت مشروط به وجود اعتبار لازم است. این محدودیت موجب می‌شود که در هر مقطع زمانی با نظر رئیس دستگاه، اجرای قانون (برای یک فرد، یک جمع یا به‌طور کلی) متوقف شود. بنابراین، اجرا یا عدم اجرای قانون در هر صورت در اختیار مدیران دستگاه‌های اجرایی است. ضمن آنکه در صدر ماده واحده نیز دولت «مجاز» به اجرای این قانون و نه «مکلف» به آن است.

۵- علاوه بر پیامدهای منفی اجرای این قانون بر ترکیب نیروی انسانی دولت که منجر به خروج نیروی انسانی توانمند و با کیفیت و باقی ماندن کارکنان «کم دردرس» برای مدیران می‌شود، بار مالی سنگین آن برای دولت (شامل حقوق بازنشستگی، کسور و حق بیمه و پاداش پایان خدمت برای دوره پنج‌ساله ارفاقی) در سال‌های اجرا به‌طور متوسط سالیانه ۳۰۰۰ میلیارد ریال بوده که بسیار قابل توجه است.

۶- از آنجا که آثار مالی این طرح تا چند سال پس از اجراء نیز (برای پرداخت حق بیمه‌ها و مستمری دوران ارفاقی) باقی می‌ماند، در صورت تصویب این طرح برای یک دوره پنج‌ساله، بار مالی آن برای یک دوره ده ساله حداقل ۳۰ هزار میلیارد ریال برآورد می‌شود.

۷- بازنشستگی پیش از موعد برای صندوق‌های بازنشستگی (در شرایطی که امید به زندگی در کشور افزایش یافته و در اغلب کشورهای دنیا سن بازنشستگی به سمت ۶۵ سال و بالاتر رو به افزایش است)، خسارت‌های مالی سنگینی را در پی دارد. هر چند که در این قانون سعی شده که بار مالی تحمیل شده به صندوق‌ها، تا حد زیادی به دولت منتقل شود، اما عدم پرداخت بدهی‌های معوقه

دولت به این صندوق‌ها، نظام تأمین اجتماعی را با بحران مالی جدی مواجه کرده و تداوم آن می‌تواند به یک معضل ملی منجر شود.

۸- بازنشستگی پیش از موعد با شرایط ارفاقی (جز در مورد مشاغل سخت و زیان‌آور) کاملاً برخلاف عدالت است، زیرا به برخی از اعضای صندوق، بدون آنکه صلاحیت خاصی داشته باشند، امتیازات ویژه‌ای اعطا می‌کند و هزینه‌های آن به دلیل عدم توان پرداخت دولت، از محل حق بیمه سایر بیمه‌شدگان تأمین می‌شود.

۹- تصویب این طرح، به دلیل بار مالی چشمگیر آن مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی باشد.

۱۰- بازنشستگی با پنج سال ارفاق مستلزم بار مالی هم از جهت پرداخت کسور بازنشستگی برای پنج‌سال یاد شده است و هم موجب می‌شود تعهدات صندوق بازنشستگی کشوری برای پرداخت حقوق بازنشستگی کارمندان مذکور به طور متوسط پنج‌سال افزایش یابد.

۱۱- مصوبه مذکور علاوه بر حذف بخشی از درآمدهای صندوق که منبع تأمین حقوق بازنشستگان است، بار مالی اضافی ناشی از پرداخت حقوق بازنشستگی به جهت بازنشستگی پیش از موعد نیز بر صندوق بیمه مربوط تحمیل می‌کند.

۱۲- اصل برابری مجموع درآمدهای حاصل از کسورات بازنشستگی با تعهدات صندوق در پرداخت حقوق بازنشستگی مهم‌ترین اصل تشکیل صندوق‌های بازنشستگی است. مصوبه مذکور علاوه بر نقض اصل مذکور و پیشی گرفتن هزینه‌های صندوق نسبت به درآمدهای صندوق به جهت اینکه مازاد دریافتی با پرداختی اشخاصی که پیش از موعد بازنشسته می‌شوند باید از محل کسور بازنشستگی سایر مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری تأمین گردد از نقطه نظر عدالت اجتماعی قابل توجیه نمی‌باشد.

ع- طرح استخدام مهندسین ناظر تولیدات کشاورزی

الف) مقدمه توجیهی، ضرورت‌ها و اهداف

طرح خودکفایی گندم از سال ۱۳۸۲ توسط وزارت جهاد کشاورزی با به کارگیری حدود چهارهزارنفر از فارغ‌التحصیلان کشاورزی و نظارت بر مزارع گندم کشور به ثمر نشست و در کیفیت تولید و خودکفایی کشور از واردات گندم و خروج ارز مؤثر واقع گردید، لذا به منظور حفظ و افزایش سطح تولید گندم و بی‌نیازی کشور از واردات گندم، طرح مذکور ارائه شده است.

ب) قوانین و مقررات مرتبط

الف - ماده (۲۴) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶-^(۱)

ب - ماده (۴۶) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶-^(۲)

۱. ماده ۲۴ - در راستای اجراء احکام این فصل کلیه دستگاههای اجرائی موظفند از تاریخ تصویب این قانون اقدامات ذیل را انجام دهند:

الف- حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون آن دسته از وظایفی که قابل واگذاری به بخش غیردولتی است را احصاء و با رعایت راهکارهای مطروحه در این فصل نسبت به واگذاری آنها اقدام نمایند. به نحوی که طی هر برنامه بیست درصد (۲۰٪) از میزان تصدی‌های دولت در امور قابل واگذاری کاهش یابد. ب - تعداد مجوزهای استخدامی مذکور در ماده (۵۱) این قانون به نحوی تعیین گردد که تعداد کارمندان دستگاههای اجرائی که به هر نحو حقوق و مزایا دریافت می‌کنند و یا طرف قرارداد می‌باشند هر سال به میزان دو درصد (۲٪) در امور غیرحاکمیتی نسبت به سال قبل کاهش یابد. ج - حداکثر معادل یک سوم کارمندان که به روش‌های بازنشتی، بازخریدی، استعفاء و سایر موارد از خدمت دستگاه‌های اجرائی خارج می‌شوند استخدام نمایند. تبصره ۱- وظایف حاکمیتی موضوع ماده (۸) این قانون از شمول این ماده مستثنی هستند. تبصره ۲- آئین‌نامه اجرائی این ماده شامل وظیفه قابل واگذاری در چهارچوب این قانون، حمایت‌های دولت برای توسعه بخش غیردولتی و نحوه خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی و تعیین تکلیف کارمندان واحدهای واگذار شده و سایر موارد بنا به پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۲. ماده ۴۶ - کسانی که شرایط ورود به استخدام رسمی را کسب می‌نمایند قبل از ورود به خدمت رسمی یک‌دوره آزمایشی را که مدت آن سه سال می‌باشد طی خواهند نمود و در صورت احراز شرایط ذیل از بدو خدمت جزء کارمندان رسمی منظور خواهند شد: الف - حصول اطمینان از لیاقت (علمی، اعتقادی و اخلاقی)، کاردانی، علاقه به کار، خلاقیت، نوآوری، روحیه خدمت به مردم و رعایت نظم انضباط اداری از

ج) نظر دولت

هیأت وزیران طی تصمیم‌نامه شماره ۴۶۰۹۴/۲۴۸۶۱۰ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۳ با طرح مذکور مخالفت نموده است.

د) سابقه طرح

به منظور افزایش تولید محصولات کشاورزی اساسی و مورد نیاز کشور در سالیان اخیر، بهره‌گیری از توان و خدمات نیروهای متخصص و دانش‌آموخته کشاورزی در عرصه تولید با عنوان مهندسين ناظر مزارع کشاورزی که از طریق عقد قرارداد با کشاورزان به روند تولید نظارت می‌نمایند رایج بوده است. بررسی وضعیت نیروی انسانی در جامعه روستایی ایران نشان دهنده عدم تناسب میزان سواد و مهارت فنی نیروی کار روستایی با نیازهای این بخش است، به‌طوری که یکی از موانع و تنگناهای اساسی توسعه کشاورزی، عدم وجود نیروی انسانی دانش‌آموخته فنی در عرصه کشاورزی ذکر شده است. برای حل این مشکل سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی به منظور پشتیبانی علمی و فنی از تولیدکنندگان بخش کشاورزی، رفع کمبودهای نیروی انسانی متخصص در عرصه روستایی و کشاورزی اقدام به استقرار شبکه خدمات مشاوره فنی و مهندسی غیردولتی با به کارگیری دانش‌آموختگان کشاورزی کرده است لذا به منظور ایجاد امنیت شغلی برای افراد مذکور و ضرورت تحول کیفی و کمی تولید محصولات کشاورزی یک فوریت طرح مذکور در جلسه ۱۳۸۹/۱۰/۵ تصویب و کلیات و جزئیات آن نیز در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ به تصویب نهایی رسید.

طریق کسب امتیاز لازم با تشخیص کمیته تخصصی تعیین صلاحیت کارمندان رسمی. ب - طی دوره‌های آموزشی و کسب امتیاز لازم. ج - تأیید گزینش. تبصره ۱- در صورتی که در ضمن یا پایان دوره آزمایشی کارمندان شرایط ادامه خدمت و یا تبدیل به استخدام رسمی را کسب ننمایند با وی به یکی از روشهای ذیل رفتار خواهد شد: الف- اعطاء مهلت دوساله دیگر برای احراز شرایط لازم. ب - تبدیل وضع به استخدام پیمانی. ج - لغو حکم. تبصره ۲- با کارمندان پیمانی در صورت شرکت در آزمون و احراز صلاحیتهای موضوع ماده (۴۲) و پذیرفته شدن برای استخدام رسمی در مشاغل حاکمیتی به شرح زیر رفتار خواهد شد. ۱- سوابق پیمانی آنها جزو سوابق رسمی محسوب می‌شود. ۲- سابقه سنوات خدمت آنها به سقف سن موضوع بند (الف) ماده (۴۲) فصل ورود به خدمت اضافه می‌شود. تبصره ۳ - آئین نامه اجرائی این ماده توسط سازمان تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ه) واژگان تخصصی

۱ - محصولات راهبردی

محصولاتی که مستقیماً در امنیت غذایی نقش دارد و به این واسطه ضرورتاً باید در داخل کشور تولید شود (بند الف) ماده (۳۱) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی - مصوب ۱۳۸۹-)

۲ - مرکز خدمات کشاورزی

لایحه قانونی مربوط به ایجاد مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری مصوب ۱۳۵۹/۳/۱۴ شورای انقلاب

وزارت کشاورزی و عمرانی روستایی موظف است به تدریج در هر یک از دهستانهای کشور واحدی به نام مرکز خدمات کشاورزی و روستایی و عشایری بر اساس این ماده واحده و آیین‌نامه‌های اجرایی آن ایجاد نماید. هدف و منظور از تشکیل مرکز خدمات کشاورزی و روستایی و عشایری دهستان عبارت است از توسعه فعالیتهای کشاورزی، روستایی، عشایری و ارائه و عرضه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی، آموزشی و تحقیقی و ترویجی و تهیه و تجهیز و توزیع وسائل و لوازم و نهاده‌های کشاورزی و تسهیلات خدمات بازرگانی و سایر فعالیتهای مرتبط با امور مذکور با توجه به نیازهایی که از طریق شوراهای اعلام می‌شود و با جلب همکاری و مشارکت مستمر مردم.

و) اظهار نظر کارشناسی

الف - بر اساس ماده (۱۴۳) قانون برنامه پنجم توسعه - مصوب ۱۳۸۹- به منظور حفظ ظرفیت تولید و نیل به خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی و دامی از جمله گندم، جو، ذرت، برنج، دانه‌های روغنی، چغندر قند و نیشکر، گوشت سفید، گوشت قرمز، شیر و تخم مرغ، اصلاح الگوی مصرف بر اساس استانداردهای تغذیه، گسترش کشاورزی صنعتی و دانش‌بنیان، فراهم نمودن زیرساخت‌های امنیت غذایی و ارتقای ارزش افزوده بخش کشاورزی بر مبنای ملاحظات توسعه پایدار سالانه به میزان هفت درصد نسبت به سال ۱۳۸۸ در طول برنامه اقدامات زیر انجام می‌شود:

ه - برون‌سپاری فعالیت‌های غیر حاکمیتی و تصدی‌گری‌های بخش کشاورزی به بخش‌های خصوصی و تعاونی با تأکید بر به‌کارگیری کارشناسان تعیین صلاحیت شده

عضو سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و سازمان نظام دامپزشکی به عنوان ناظر یا مشاور فنی مزارع کشاورزی و واحدهای دامی و دامپروری و آبی‌پروری، تعاونی‌ها و تشکلهای بخش کشاورزی

همانگونه که ملاحظه می‌شود مصوبه مجلس در مغایرت کامل با بند (ه) ماده (۱۴۳) قانون برنامه پنجم توسعه است، با این حال چون به تصویب دوسوم نمایندگان (۱۴۴ رأی موافق - ۲۹ رأی مخالف - ۱۶ رأی ممتنع از ۲۰۹ نماینده حاضر) رسیده است، مغایرتی با ماده (۲۲۳) اصلاحی قانون آیین‌نامه داخلی مجلس ندارد.

ب - مصوبه مجلس مغایر با مواد (۱)^(۱)، (۲)^(۲) و (۶)^(۱) قانون افزایش بهره‌وری بخش

۱. ماده ۱- دولت مکلف است در راستای تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، سیاست‌های کلی نظام و قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و به موجب این قانون، زمینه‌ها، برنامه‌ها، تسهیلات و امکانات ارتقاء بهره‌وری و اصلاح الگوهای تولید و مصرف در بخش کشاورزی و منابع طبیعی را فراهم و به مرحله اجرا درآورد.

۲. ماده ۲- به منظور: الف - ارائه مشاوره فنی، اجرایی، ترویجی و مدیریتی برای بهبود شرایط و افزایش کمی و کیفی محصولات، اصلاح و بهبود شیوه‌های مصرف عوامل تولید و نهاده‌ها در محصولات و تولیدات کشاورزی و منابع طبیعی؛ ب - انجام فعالیت‌های مهندسی و تأمین زمینه‌های افزایش ارزش افزوده و ارتقاء بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی؛ ج - تشخیص و درمان آفات و بیماری‌های گیاهی و دامی. سازمانهای نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران موظفند حسب مورد و متناسب با استعدادهای و شرایط بخش کشاورزی و منابع طبیعی هر منطقه و در قالب سیاست‌ها و ضوابط حاکمیتی اعلامی از سوی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌های حاکمیتی تابعه آن، مجوز تأسیس درمانگاه‌ها (کلینیک‌ها)، مجتمع‌های درمانی (پلی کلینیک‌ها)، آزمایشگاه‌ها، داروخانه‌ها، بیمارستان‌های دامی، مراکز تلقیح مصنوعی و مایه‌کوبی و شرکت‌های مهندسی و خدمات مشاوره فنی - اجرایی - مدیریتی - مالی و بیمه - اقتصادی - بازرگانی و کشاورزی را صادر و نظارت نمایند. نظارت بر انطباق عملکرد مراکز فوق‌الذکر بر سیاست‌های حاکمیتی اعلامی، بر عهده وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌ها و مؤسسات حاکمیتی تحت پوشش این وزارتخانه (حسب مورد) می‌باشد. تبصره ۱- مراکز مذکور در این ماده به صورت غیردولتی اداره شده و بر اساس قوانین مربوطه در مراجع ذی‌صلاح قانونی ثبت و تحت نظارت سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران ارائه خدمت می‌نمایند. تشکلهای صنفی و اتحادیه‌های مرتبط با این مراکز به صورت منطقه‌ای و یا کشوری، قابل تأسیس و ثبت در مراجع ذی‌صلاح خواهد بود. تبصره ۲- تعداد نیروی انسانی متخصص مراکز موضوع این ماده متناسب با مناطق مختلف کشور و نوع فعالیت و سطح‌بندی خدمات، بر اساس دستورالعملی خواهد بود که حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون‌های کشاورزی اتاق‌های بازرگانی،

کشاورزی و منابع طبیعی - مصوب ۱۳۸۹- است.

ج - به موجب جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد حداکثر تا پایان برنامه پنجساله چهارم (سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیر دولتی واگذار کند و با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت بنا به پیشنهاد هیأت وزیران و تصویب مجلس شورای

صنایع و معادن و تعاون تهیه و توسط وزیر جهاد کشاورزی تأیید و ابلاغ می‌شود. در صورتی که فعالیت این مراکز در زمینه تحقیقات دانش‌بنیان با فن‌آوری بالا باشد، به کارگیری حداقل یک نفر دکترای متخصص در رشته ذی‌ربط الزامی است. تبصره ۳- مراکز موضوع این ماده، خدمات مورد نیاز تولیدکنندگان و بهره‌برداران بخش کشاورزی را بر اساس تعرفه‌های اعلامی از سوی وزارت جهاد کشاورزی به انجام می‌رساند. تعرفه‌های ارائه خدمات مزبور، در سه‌ماهه اول هر سال با پیشنهاد مشترک سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران، نماینده اتحادیه کشوری مراکز موضوع این ماده (حسب مورد) و نماینده تشکل هر یک از زیربخش‌های کشاورزی و منابع طبیعی (حسب مورد) به تأیید وزیر جهاد کشاورزی رسیده و ابلاغ می‌گردد. تبصره ۴- مراکز موضوع این ماده موظف به رعایت سیاست‌های حاکمیتی و برنامه‌های ابلاغی از سوی سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. در غیر اینصورت، وزارت جهاد کشاورزی موظف است در رابطه با ادامه فعالیت آنان اقدامات قانونی لازم را به عمل آورد. تبصره ۵- با کارشناسان و متخصصان و کارکنان شاغل رسمی در دستگاه‌های دولتی مرتبط که با اجراء این قانون وظایف آنان واگذار می‌شود، مطابق با ماده (۲۱) قانون مدیریت خدمات کشوری عمل خواهد شد. تبصره ۶- در انعقاد قرارداد و ارجاع کارهای دولتی به مراکز موضوع این ماده، رتبه‌بندی سازمان‌های نظام مهندسی و دامپزشکی ملاک عمل می‌باشد. آیین‌نامه اجرایی نحوه رتبه‌بندی این مراکز، حداکثر شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی و با هماهنگی سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون‌های کشاورزی اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن و تعاون، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. تبصره ۷- کارکنان مراکز موضوع این قانون در صورت استقرار مراکز در روستاها و شهرهای زیر بیست هزار نفر جمعیت، مشمول قانون صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر می‌باشند.

۱. ماده ۶- دولت مکلف است وظایف تصدی‌گری خود در خصوص امور اجرایی، آموزشی، ترویجی را متناسب با وظایف و اختیارات هر تشکل به تشکل‌های موضوع مواد (۲) و (۵) این قانون مطابق با قوانین و مقررات مربوط واگذار نماید.

اسلامی برای مدت معین مجاز است. لذا به نظر می‌رسد مصوبه مجلس چون به پیشنهاد هیأت وزیران نبوده است، مغایر سیاست مذکور است.

د - مصوبه مذکور به دلیل ایجاد بار مالی برای دولت و عدم پیش‌بینی منابع مالی لازم برای اجرای آن که منجر به افزایش هزینه عمومی می‌شود، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

۷- طرح اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

الف - مقدمه توجیهی، ضرورت‌ها و اهداف

گرچه قانون اجراء سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در نوع خود بی‌نظیر است اما به نوعی از اهداف مصرح در اصل ۴۸ قانون اساسی غفلت دارد. به دلیل عدم شفافیت نظام برنامه‌ریزی کشور بسیاری از مناطق در سرمایه‌گذاری‌های دولتی واقعاً عقب مانده هستند و امروزه این امر به عنوان یک معضل مهم، توسعه همه جانبه کشور را با مخاطره جدی مواجه کرده است.

۱- اختلال در سازماندهی و ساختار فضایی

۲- مهاجرت‌های بی‌رویه و خالی از سکنه شدن بسیاری از مناطق و هجوم به شهرها و استان‌ها و مناطق برخوردار

۳- افزایش فاصله طبقاتی و بروز ناهنجاری‌ها و به‌وجود آمدن حاشیه‌نشینی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

۴- مغفول ماندن اصل ۴۸ قانون اساسی و زیر سؤال رفتن عدالت اجتماعی و ...

از جمله مواردی است که اجرای اصل ۴۴ در حق مناطق محروم و غیر برخوردار در پی داشته و خواهد داشت. از طرفی عدم ورود دولت در بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های

اشتغال‌زا شأن و منزلت اجتماعی جوانان این قبیل مناطق و خانواده‌ها را متزلزل و وجهه اجتماعی و حقوق آنان را تضییع می‌کند. تقصیر این مردم مناطق محروم چیست که به دلیل محرومیت منطقه خود امکان سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی رغبتی به سرمایه‌گذاری ندارند و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز مانع سرمایه‌گذاری دولت است، لذا طرح مذکور ارائه شده است.

ب - قوانین و مقررات مرتبط

۱- ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۷-^(۱)

۱- ماده (۸) قانون تمرکز امور صنعت و معدن و تشکیل وزارت صنایع و معادن -

مصوب ۱۳۷۹-^(۲)

۱. ماده ۳ - قلمرو فعالیتهای اقتصادی دولت به شرح زیر تعیین می‌شود: الف - مالکیت، سرمایه‌گذاری و مدیریت برای دولت در آن دسته از بنگاههای اقتصادی که موضوع فعالیت آنها مشمول گروه یک ماده (۲) این قانون است، اعم از طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای، تأسیس مؤسسه و یا شرکت دولتی، مشارکت با بخش‌های خصوصی و تعاونی و بخش عمومی غیر دولتی، به هرنحو و به هر میزان ممنوع است. تبصره ۱- دولت مکلف است سهم، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره‌برداری و مدیریت خود را در شرکتها، بنگاهها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی که موضوع فعالیت آنها جزء گروه یک ماده (۲) این قانون است، تا پایان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید. تبصره ۲- تداوم مالکیت، مشارکت و مدیریت دولت در بنگاههای مربوط به گروه یک ماده (۲) این قانون و بعد از انقضاء قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و یا شروع فعالیت در موارد ضروری تنها با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین مجاز است. تبصره ۳ - در مناطق کمتر توسعه یافته و یا در زمینه فناوری‌های نوین و صنایع پرخطر، دولت می‌تواند برای فعالیتهای گروه یک ماده (۲) از طریق سازمانهای توسعه‌ای مانند سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) با بخش‌های غیر دولتی مشترکاً سرمایه‌گذاری کند. در این موارد دولت مکلف است سهام دولتی را در بنگاه جدید حداکثر ظرف سه سال پس از بهره‌برداری به بخش غیر دولتی واگذار کند.

۲. ماده ۸ - به منظور افزایش اشتغال صنعتی و حمایت از واحدهای کوچک بخش غیر دولتی در جهت توسعه مناطق کمتر توسعه یافته با استفاده از امکانات موجود در وزارتخانه مذکور، سازمان صنایع کوچک ایران تشکیل

نظر دولت

هیأت وزیران طی تصمیم‌نامه شماره ۴۵۴۹۳/۲۰۹۴۷۱ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۰ با طرح مذکور مشروط به اعمال اصلاحات مورد نظر دولت موافقت نموده است.

اظهار نظر کارشناسی

۱- بر اساس بند(د) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب مقام معظم رهبری (سیاست‌های کلی واگذاری) وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:

۲- «مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف چهل و نه درصد به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته»، لذا چون سقف مذکور جزء سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و مصوبه مجلس این سقف را برداشته و توسعه داده است، بنابراین مغایر سیاست مذکور و به تبع آن مغایر بند(۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

۳- در تبصره(۵) با توجه به اینکه بر اساس اصل ۱۳۳ قانون اساسی حدود اختیارات هر یک از وزارتخانه‌ها به موجب قانون معین می‌شود، لذا تعیین صلاحیت و مسؤولیت جدید برای وزارت صنایع و معادن و وزارت کشور توسط هیأت وزیران نوعی تفویض اختیار قانونگذاری است، لذا مغایر اصول ۸۵ و ۱۳۳ قانون اساسی است.

می‌گردد. سیاستگذاری و تنظیم حمایت‌های لازم از صنایع کوچک به عهده این سازمان خواهد بود. اساسنامه سازمان مذکور توسط وزارت صنایع و معادن با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ظرف مدت چهار ماه تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

۸- لایحه موافقت‌نامه انتقال محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند

مقدمه توجیهی، ضرورت‌ها و اهداف

نظر به لزوم استقرار روشمند همکاری‌های قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند و با توجه به آثار مثبت ناشی از اتخاذ تدابیر و ایجاد بسترهای مناسب قانونی برای اتباع دو دولت و در راستای زمینه‌سازی برای گسترش مناسبات دو کشور و ارتقای سطح همکاری‌های دوجانبه و تحکیم مناسبات میان آن‌ها، لایحه مذکور ارائه شده است.

سابقه لایحه

هیأت وزیران طی تصویب‌نامه شماره ۴۴۹۰۳/۱۰۱۰۵۹ مورخ ۱۳۸۹/۵/۹ به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داد با هماهنگی وزارت دادگستری نسبت به امضای موقت موافقت‌نامه‌ها انتقال محکومین به حبس بین ایران و هند اقدام نماید. پس از امضای موافقت‌نامه مذکور در ۱۳۸۹/۴/۱۸، لایحه مربوط توسط هیأت وزیران (در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۶/۲۸) به مجلس ارائه شد.

اظهار نظر کارشناسی

در ماده (۱۸) مقرر شده است هرگونه اصلاحات یا تغییرات در این موافقت‌نامه طبق همان رویه اعمال شده در مورد لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه، لازم‌الاجرا خواهد شد. بر اساس بند (۱) ماده (۲۰)، این موافقت‌نامه منوط به تصویب خواهد بود و در تاریخی که اسناد تصویب مبادله می‌گردد لازم‌الاجرا خواهد گردید. بنابراین چون مرجع تصویب

معلوم نشده است و به رعایت ترتیبات و تشریفات تصویب موافقت‌نامه بر اساس قانون اساسی طرفین اشاره‌ای نشده است، لذا مغایر اصل ۷۷ قانون اساسی است.

۹- طرح حمایت از افرادی که توسط گروهکهای ضدانقلاب و منحرفین اعتقادی اسیر، کشته و یا معلول می‌شوند

با توجه به پیش‌بینی اعتبار مورد نیاز در بودجه سال ۱۳۹۰ و لوایح بودجه سنواتی و مشروط کردن اجرای قانون به پیش‌بینی مذکور، ظاهراً ایراد اصل ۷۵ قانون اساسی برطرف شده است.

۱۰- طرح استفساریه جزء (الف) بند (۷) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور

مقدمه توجیهی، ضرورت‌ها و اهداف

به موجب ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به منظور جلوگیری از کاهش قدرت خرید حقوق‌بگیران ثابت، دولت موظف است همه‌ساله ضریب حقوقی را حداقل به میزان تورم که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌گردد، افزایش دهد. همچنین در ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه نیز افزایش حقوق را به تناسب نرخ تورم انجام دهد. قوانین بودجه در راستای قوانین دائمی و قانون برنامه توسعه تنظیم و تصویب می‌گردند و نه بر خلاف آنها. از طرفی اگر مقصود اصلاح قانون برنامه و یا تغییر احکام آن مطمئن نظر باشد هنگام تصویب این مورد در لایحه بودجه نیاز به دوسوم آرای نمایندگان است. حال این سؤال مطرح است که تصویب مفاد جزء (الف) بند (۷) قانون

بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور بدون رعایت ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه بوده یا رعایت مفاد این دو ماده الزامی است و نظر به اینکه به زودی ضریب حقوقی از سوی دولت تعیین و ابلاغ و اجرا خواهد شد، روشن شدن موضوع قبل از آن بسیار فوریت دارد، لذا طرح مذکور ارائه شد.

قوانین و مقررات مرتبط

۱- ماده (۶۴) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶-^(۱)

۲- ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶-^(۲)

۳- ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳-^(۳)

۱. ماده ۶۴- نظام پرداخت کارمندان دستگاههای اجرائی براساس ارزشیابی عوامل شغل و شاغل و سایر ویژگیهای مذکور در مواداتی خواهد بود. امتیاز حاصل از نتایج ارزشیابی عوامل مذکور در این فصل ضرب در ضریب ریالی، مبنای تعیین حقوق و مزایای کارمندان قرار می گیرد و برای بازنشستگان و موظفین یا مستمری بگیران نیز به همین میزان تعیین می گردد. تبصره - ضریب ریالی مذکور در این ماده باتوجه به شاخص هزینه زندگی در لایحه بودجه سالانه پیش بینی و به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد.

۲. ماده ۱۲۵ - ضرایب حقوق مذکور در فصول دهم و سیزدهم به تفکیک هر فصل، متناسب با احکام این قانون در اولین سال اجراء پانصد ریال تعیین می گردد و در سالهای بعد حداقل به اندازه نرخ تورم که هر ساله از سوی بانک مرکزی اعلام می گردد، افزایش می یابد.

۳. ماده ۱۵۰- دولت موظف است حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان دولت را طی برنامه چهارم و در ابتدای هر سال برای تمامی رشته های شغلی، متناسب با نرخ تورم افزایش دهد. تبصره - به دستگاههای اجرائی اجازه داده می شود تا هفتاد درصد (۷۰٪) اعتباراتی که از محل اصلاح ساختار و کاهش نیروی انسانی به میزانی که در قانون بودجه سالانه منظور می گردد صرفه جویی می نمایند را به عنوان فوق العاده کارآیی غیرمستمر به کارکنانی که خدمات برجسته انجام می دهند، پرداخت نمایند. آئین نامه اجرائی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

۴- جزءهای (الف) و (ج) بند (۷) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور^(۱)

۵- دادنامه شماره ۳۷۷ الی ۳۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت

اداری^(۲)

۱. ۷- الف- در راستای اجراء قانون مدیریت خدمات کشوری و لغو کلیه مجوزها و مقررات پرداختی خارج از فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری به استثناء پاداش موضوع ماده (۲۰) قانون مذکور و ماده (۴۱) قانون استخدام کشوری و پرداختهای قانونی در زمان فوت، از کارافتادگی، بازنشسته شدن یا ازدواج، افزایش امتیازات موضوع فصل دهم تا پنجاه درصد (۵۰٪) و کمکهای رفاهی مستقیم و غیرمستقیم با پیشنهاد مشترک معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و تصویب هیأت وزیران، دولت مجاز است ضرایب ریالی موضوع ماده (۶۴) و تبصره آن و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری درخصوص شاغلین و بازنشستگان و موظفین و مستمری بگیران تا سقف اعتبار مصوب در هر مورد را تعیین و اجراء نماید. در هر صورت امتیازات اینارگران و فرزندان شهداء به نحوی تطبیق می یابد که دریافتی آنان از بابت تطبیق کاهش نیابد. افزایش حقوق گروههای مختلف حقوق بگیر از قبیل هیأت علمی، کارکنان کشوری و کارکنان لشگری، قضات و غیره به طور جداگانه توسط دولت (در سقف اعتبارات مصوب) انجام می پذیرد. شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر دستگاههایی که دارای مقررات خاص در قانون اساسی هستند تابع مقررات قانونی خاص خود می باشند. - افزایش حقوق اعضای هیأت علمی حداقل برابر با درصد افزایش حقوق سایر کارکنان دولت خواهد بود. - در سال ۱۳۸۹ حقوق و مزایای کارکنان قراردادی سالانه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در سقف شاغلین در آخر بهمن ۱۳۸۸) مشابه سایر کارکنان پیمانی و رسمی منحصراً از طریق بند (و) توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پرداخت می گردد. ... ج - افزایش اعتبارات هزینه ای نسبت به اعتبارات مصوب وزارتخانه و مؤسسات دولتی از هر محل جز برای تأمین کسری احتمالی ناشی از اجراء این بند یا سایر هزینه های اجتنابناپذیر نیروی انسانی این بند تا سقف بیست درصد (۲۰٪) هر یک از ردیفهای اعتباری منظور در جداول این قانون و پیوستهای آن با تشخیص دولت، ممنوع می باشد.

۲. رأی هیأت عمومی: قانونگذار به منظور برقراری تعادل و توازن بین قدرت خرید مایحتاج ضروری کارکنان شاغل و بازنشسته دولت و نرخ تورم، به شرح ماده ۱۵۰ قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف کرده است، حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان دولت را متناسب با نرخ تورم و به موجب ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ حداقل به اندازه نرخ تورم که هر ساله از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می گردد، افزایش دهد و در بند ۲۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور نیز تأکید شده است که «دولت موظف است افزایش سنواتی کلیه شاغلین و بازنشستگان کشوری و لشگری مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری را بر اساس مقررات قانون مذکور اجراء نماید.» نظر به اینکه بودجه تخصیص یافته بابت افزایش اعتبار مستمری بازنشستگان به میزان مندرج در شق (ب) بند ۲۴ قانون مذکور

ع- دادنامه شماره ۱۵۰۷ الی ۱۵۵۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت

اداری^(۱)

نظر دولت

هیأت وزیران طی تصمیم‌نامه شماره ۴۴۷۳۰/۶۹۸۴۹ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۹ با طرح مذکور اعلام مخالفت نموده است.

سابقه طرح

به موجب ماده (۳۳) قانون استخدام کشوری - مصوب ۱۳۴۵ - ضریب جدول حقوق

علی‌القاعده نافی هدف اصولی و احکام صریح قانونگذار در باب تکلیف دولت به افزایش حقوق بازنشستگان و وظیفه بگیران به میزان نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی در هر سال و متضمن تفویض اختیار تعیین افزایش حقوق مذکور بدون رعایت ضوابط مقرر در حکم مقنن نیست، بنابراین بند ۱۰ تصویب‌نامه شماره ۳۵۰۹۵/ت/۳۹۹۱۶ هـ مورخ ۱۳۸۷/۳/۷ هیأت وزیران که به موجب آن افزایش حقوق بازنشستگی و وظیفه تمام بازنشستگان و وظیفه‌بگیران و مشترکان صندوقهای بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح از ابتدای سال ۱۳۸۷ معادل ۱۰ درصد و کمتر از میزان نرخ تورم تعیین شده است، مغایر قانون تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۲۰ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب مصوبه مزبور ابطال می‌گردد.

۱. الف - به صراحت ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف شده است که حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان دولت را طی برنامه چهارم و در ابتدای هر سال برای تمامی رشته‌های شغلی متناسب با نرخ تورم افزایش دهد. نظر به اینکه معنی و مفهوم واژه (متناسب) چه در لفظ و چه در اصطلاح مبین وجود تساوی و تناسب بین دو یا چند نسبت معین و مشخص است و حکم قانونگذار در باب ضرورت افزایش حقوق کلیه کارکنان و بازنشستگان متناسب با نرخ تورم نیز مفید لزوم رعایت تناسب بین افزایش تورم و افزایش حقوق کارکنان شاغل و بازنشسته به نسبت یکسان است، بنابراین بندهای یک و ۲ تصویب‌نامه شماره ۱۱۰۰۸/ت/۳۷۱۵۰ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۸ هیأت وزیران در خصوص افزایش ضریب جدول حقوق موضوع ماده ۳۳ قانون استخدام کشوری از واحد ۴۳۲ به ۴۵۴ و همچنین افزایش ۵ درصد به حقوق بازنشستگی و وظیفه اشخاص مذکور در بند ۲ مصوبه بلحاظ عدم تناسب آن با نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی در سال ۱۳۸۶ به میزان ۱۳/۷ درصد و عدم تساوی نسبت افزایش حقوق کارکنان شاغل با حقوق بازنشستگان خلاف هدف و حکم مقنن تشخیص داده می‌شود... .

موضوع ماده (۳۲) چهل ریال تعیین می‌شود و سازمان امور اداری و استخدامی کشور مکلف است در موردی که به علت افزایش هزینه زندگی و عوامل دیگر تغییر ضریب جدول حقوق ضروری باشد تغییر ضریب را برای تصویب مجلسین به دولت پیشنهاد کند. بر اساس تبصره (۴) ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۰ دولت مکلف شد تغییر ضریب حقوق را همه‌ساله با توجه به شاخص هزینه زندگی مورد تصویب قرار می‌دهد. در ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه و ماده (۱۲۵) و تبصره ماده (۶۴) قانون مدیریت خدمات کشوری نیز مقرراتی در این خصوص وضع شده است. اینک با توجه به حکم مندرج در جزء (الف) بند (۷) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور طراحان استفساریه به دنبال این امر بودند که دولت را مجبور کنند در تعیین ضریب ریالی احکام مندرج در قوانین مذکور را رعایت کند.

اظهار نظر کارشناسی

۱- طرح مذکور در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ به مجلس ارائه شد تا قبل از تصمیم دولت در خصوص تعیین ضریب ریالی منشأ اثر شود، در حالی که هیأت وزیران طی تصویب‌نامه شماره ۴۴۵۸۵/۵۴۰۱۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۹ ضریب حقوق را با توجه به در نظر گرفتن میزان تخصیص اعتبار در بودجه سال ۱۳۸۹ با افزایش تقریبی هشت درصدی نسبت به سال قبل تعیین کرد و مصوبه مجلس نه ماه بعد به تصویب مجلس رسیده است و در حال حاضر فاقد اثر و ضمانت اجرایی لازم است.

۲- قانونگذار در قوانین بودجه سنواتی بارها از نظر خود مندرج در قوانین دایمی عدول کرده است که می‌توان به تبصره ماده (۶۴) قانون مدیریت خدمات کشوری اشاره کرد که بر مبنای آن ضریب حقوق به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد ولی در

قانون بودجه سال ۱۳۸۹ این اختیار را به هیأت وزیران تفویض کرده است لذا حکم مندرج در جزء (الف) بند (۷) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور با علم و آگاهی و منصرف از احکام قوانین برنامه و قانون مدیریت خدمات کشوری وضع شده است زیرا خود مقنن در جزء (الف) بند (۷) قانون یادشده صراحتاً به عبارت «تا سقف اعتبار مصوب» اشاره کرده است لذا هیأت وزیران نمی‌تواند بدون توجه به آخرین اراده قانونگذار، ضریب حقوق را بر اساس نرخ تورم تعیین کند.

۳- در جزء (ج) بند (۷) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور تأمین کسری احتمالی ناشی از اجرای این بند به تشخیص دولت واگذار شده است در حالی که جواب استفساریه نوعی الزام و اجبار برای دولت ایجاد می‌کند که به نظر می‌رسد اصلاح جزء مذکور باشد و در چهارچوب اصول و قواعد تفسیر قرار نمی‌گیرد

۴- با عنایت به اینکه تفسیر مذکور موجب ایجاد بار مالی برای دولت است لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

۵- نکته دیگر آنکه خود مقنن در جزء (الف) بند (۷) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور تصریح کرده است که افزایش حقوق گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر از قبیل هیأت علمی، کارکنان کشوری و لشگری، قضات و غیره به‌طور جداگانه توسط دولت (در سقف اعتبارات مصوب) انجام می‌پذیرد. این عبارت تصریح و تأکید مجدد قانونگذار بر این موضوع است که آنچه برای مقنن ملاک و معیار است سقف اعتبارات مصوب است، حال اگر این اعتبار در نظر گرفته شده تا حدی است که می‌تواند افزایش حقوق را تا سطح تورم پوشش دهد مطلوب است و اگر پوشش نداد، دولت حق ندارد از این سقف تجاوز کند لذا مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی نوعی قانونگذاری جدید تلقی می‌شود و بیان مراد مقنن محسوب نمی‌شود و از این جهت مغایر نظر تفسیری شماره

۱۳۷۶/۳/۱۰ مورخ ۷۶/۲۱/۵۸۳ شورای نگهبان (مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است، بنابراین تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود) است.

۱۱- لایحه پذیرش اصلاحیه ضمیمه (ب) پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا

مقدمه توجیهی، ضرورت‌ها و اهداف

با عنایت به روابط دوستانه و نزدیک دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بلاروس و نظر به درخواست‌های رسمی و مکرر جمهوری بلاروس برای پیشبرد اهدافش در الحاق به ضمیمه (ب) پروتکل کیوتو برای بهره‌مندی از اجرای مکانیزم مشترک و با توجه به محدودیت دوره اجرای مکانیزم یادشده (در فاصله زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) و فوریت امر و در راستای تقویت مناسبات بین دو کشور، لایحه زیر ارائه شده است.

ب- سابقه لایحه

پیمان کیوتو یک معاهده بین‌المللی است که پس از تشکیل کنوانسیون تغییر آب و هو (۱۹۷۹) با هدف الزام کشورهای صنعتی به کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از صنایع آلاینده این کشورها به میزان حداقل پنج درصد نسبت به مقدار مربوط به سال ۱۹۹۰ طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ مطرح و در سال ۱۹۹۷ مورد توافق قرار گرفت. جمهوری بلاروس با هدف بهره‌گیری از سازوکار اجرای مشترک که ذیل پروتکل کیوتو و صرفاً برای این دسته از کشورها در فاصله زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ پیش‌بینی شده است، رسماً خواستار اصلاح پروتکل کیوتو و درج نام این کشور در ضمیمه (ب) پروتکل

مذکور گردید. طبق اصلاحیه پیشنهادی اضافه شدن نام این کشور در ضمیمه (ب) پروتکل کیوتو سبب می‌شود میزان انتشار آلاینده‌های منتسب به این کشور نسبت به سال پایه (۱۹۹۰) کاهش یافته و لذا میزان عمل به تعهد این کشور ۹۲ درصد شود. این حالت با توجه به امکان و اجازه تجارت کاهش گازهای گلخانه‌ای، کشور بلاروس را قادر می‌کند تا اعتبار حاصل از کاهش گازهای گلخانه‌ای مورد تعهد خود را به سایر کشورها فروخته و از این محل درآمد کسب کند. درخواست مذکور در دومین نشست متعاهدین پروتکل مورد موافقت قرار گرفت ولی طبق مقررات موجود، اجرایی شدن آن مستلزم تصویب توسط مجالس سه‌چهارم کشورهای عضو پروتکل کیوتو است که البته این امکان صرفاً تا پایان سال ۲۰۱۲ وجود دارد.

قوانین مرتبط

۱- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تغییرات آب و هوا - مصوب ۱۳۷۵-

۲- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا - مصوب ۱۳۸۴-

واژگان تخصصی

پیمان کیوتو: معاهده‌ای بین‌المللی است که هدف آن کاهش اثرات گازهای گلخانه‌ای از سوی کشورهای صنعتی است. این گازها موجب گرم شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی می‌شوند.

تجارت کاهش گازهای گلخانه‌ای: تجارت گازها به معنای آن است که کشورها اجازه

دارند میزان کاهش گازهای گلخانه‌ای را بخرند یا بفروشند. کشورهایی که گاز کمتری تولید می‌کنند، می‌توانند میزان تولید را به عنوان اعتبار به کشورهایی که بیشتر گاز تولید می‌کنند واگذار کنند. به تعبیر دیگر با عنایت به اینکه کشورهای صنعتی تحت پروتکل کیوتو متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند (هر کشور تعهد مستقلی دارد) در راستای این تعهدات اگر کشوری نتواند سهم تعهدات خود را در کاهش انتشار برآورده سازد، می‌تواند از کشورهای صنعتی دیگر که بیش از سهم تعهد خود کاهش انتشار داشته‌اند، مجوز انتشار را خریداری نماید.

اجرای مشترک: پروژه‌هایی هستند که با توجه به تجارب تکنولوژیک (فناورانه) سایر کشورها به منظور اجرای تعهد یا اخذ گواهی توسط برخی از کشورهای صنعتی در سایر کشورهای توسعه‌یافته اجرا می‌گردند.

اظهارنظر کارشناسی

۱- کشور بلاروس در سال ۱۹۹۲ کنوانسیون چهارچوب تغییرات آب و هوایی سازمان ملل را امضاء نمود و در سال ۲۰۰۵ عضو پیمان کیوتو شد و بر همین اساس در حال ارتقای تطبیق قوانین زیست‌محیطی خود با قوانین جهانی است. در سال ۲۰۰۶ کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون مذکور اصلاحیه پیشنهادی بلاروس برای پیمان کیوتو در مورد نقش این کشور در کاهش گازهای گلخانه‌ای را تصویب کرد این اصلاحیه زمانی اجرایی خواهد شد که هفتاد و پنج درصد اعضای کنوانسیون مذکور آن را تصویب نمایند. در حال حاضر ۱۹۲ کشور از جمله ایران عضو این کنوانسیون هستند. بلاروس برای اجرایی شدن اصلاحیه مذکور حداقل به تصویب ۱۴۴ کشور عضو نیازمند است. کاهش عرضه گازهای گلخانه‌ای که با طرح‌های اجرا شده در بلاروس ایجاد شده است قابل فروش به سایر کشورهای صنعتی است. پیشنهاد بلاروس متضمن این معناست که اعضاء با قرار گرفتن این

کشور در فهرست کشورهای صنعتی موافقت نمایند. بیشترین بهره‌ای که بلاروس از این اصلاحیه می‌برد استفاده از طرح اجرای مشترک است. بر این اساس، کشورهای صنعتی برای اینکه از میزان عرضه آلاینده‌های محیط زیست بکاهند، ترجیح می‌دهند این طرح مشترک را در کشورهایی از گروه خود اجرا کنند که هزینه‌های کمتری را برای آنها داشته باشد. در واقع با اجرای این طرح، بلاروس بدون اینکه هزینه‌ای نماید از میزان گازهای آلاینده خود خواهد کاست و بدین ترتیب به تعهدات خود در مورد پیمان کیوتو نیز عمل نموده است.

۲- کنوانسیون تغییر آب و هوا دارای دو ضمیمه است که در ضمیمه (۱) آن فهرست کشورهایی درج شده است که متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند. پروتکل کیوتو نیز دارای دو پیوست می‌باشد. در پیوست (ب)، فهرست کشورهای عضو ضمیمه (۱) کنوانسیون مذکور و میزان درصد مجاز آنها برای کاهش گازهای گلخانه‌ای تا قبل از سال ۲۰۱۲ میلادی نسبت به سال پایه (۱۹۹۰) ذکر شده است که به شرح زیر می‌باشد:

کشور	تعهد (درصد)
پانزده کشور عضو اتحادیه اروپا، بلغارستان، جمهوری چک، استونی، لیتوانیا، لیختن اشتاین، لیتوانی، موناکو، رومانی، اسلواکی، اسلونی و سوییس	۸- درصد
آمریکا	۷- درصد
کانادا، مجارستان، ژاپن و لهستان	۶- درصد
کرواسی	۵- درصد
نیوزلاند، روسیه و اوکراین	۰ درصد
نروژ	۱۰ درصد

استرالیا	۸درصد
ایسلند	۱۰درصد

- کشور بلاروس که در جدول فوق الذکر قرار نگرفته است تقاضا نموده است که به عضویت کشورهای مندرج در جدول مذکور درآید با این هدف که دست کم مجاز باشد تا سال ۲۰۱۲ معادل ۹۲درصد میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای سال ۱۹۹۰ را داشته باشد. این خواسته در حالی است که هم‌اکنون میزان انتشار بلاروس ۳۸درصد کمتر از سطح سال ۱۹۹۰ آنهاست. به عبارتی فقط می‌خواهد ۸درصد متعهد شود و از باقی ۳۰درصد بهره دیگری ببرد. در صورت عضویت بلاروس به پیوست (ب) امکان فروش مجوز انتشار و یا فعالیت اجرایی مشترک با کشورهای ضمیمه (۱) کنوانسیون به میزان ۳۰درصد مازاد از گازهای گلخانه‌ای فراهم می‌شود که این امر به مفهوم ایجاد چهارمیلیارد دلار درآمد برای جمهوری بلاروس است.

- با عنایت به اینکه در جدول فوق الذکر میزان درصد تعهدات کشورهای عضو به‌طور منجز معین شده است لذا عدم تعیین این درصد در خصوص کشور بلاروس به شرح ماده واحده محل ابهام است.

۱۲- لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اصلاحات کنوانسیون سازمان بین‌المللی آب‌نگاری

الف) مقدمه توجیهی، ضرورتها و اهداف

با عنایت به ماهیت فنی و مشاوره‌ای سازمان بین‌المللی آب‌نگاری و نقش آن در تحقق ایمنی ناوبری و رونق کشتیرانی و کلیه مقاصد دریایی از طریق تهیه نقشه‌ها و

اسناد دریایی و با توجه به دیدگاه سازمان یاد شده مبنی بر ایجاد دغدغه در دولتهای دارای ساحل و ذی‌نفع در خصوص ارتقاء بخشی ایمنی و کارایی دریایی و پشتیبانی از حفاظت و استفاده پایدار از محیط زیست و در راستای تسهیل و گسترش هماهنگی در مورد فعالیتهای آبنگاری بین دولتهای عضو و در سطح منطقه‌ای و به منظور ارتقای امور علمی، فنی و ایمنی دریانوردی، لایحه مذکور ارائه شده است.

ب) قوانین و مقررات مرتبط

۱- قانون عضویت سازمان بنادر و کشتیرانی در دفتر بین‌المللی هیدروگرافیک - مصوب ۱۳۴۲-

۲- قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی (کنوانسیون) سازمان بین‌المللی آبنگاری (هیدروگرافی) - مصوب ۱۳۴۷

ج) سابقه لایحه

سازمان بین‌المللی هیدروگرافی (آبنگاری) با تهیه نقشه‌ها و اسناد دریایی در تحقق ایمنی و رونق کشتیرانی ایفای نقش می‌نماید. دولت جمهوری اسلامی ایران از اعضای فعال سازمان بین‌المللی آبنگاری و هماهنگ‌کننده منطقه دریایی (کشورهای منطقه خلیج فارس و بخشی از دریای عمان و دریای عرب) در تهیه نقشه‌های الکترونیک دریانوردی است.

مطابق ماده (۲) کنوانسیون مذکور، اهداف سازمان بین‌المللی هیدروگرافی عبارت است از:

۱- هماهنگ نمودن فعالیت دفاتر ملی هیدروگرافی

۲- یکسان نمودن هر چه بیشتر نقشه‌ها و مدارک دریایی

۳- اتخاذ روشهای اجرایی مفید و مطمئن و بهره‌برداری از نظریات هیدروگرافی

۴- توسعه علوم در زمینه هیدروگرافی و فنونی که در شرح ترسیمی اقیانوسها به کار

می‌رود.

پس از چهل سال از تصویب کنوانسیون سازمان بین‌المللی هیدروگرافی، اعضای آن در سال ۲۰۰۵ پروتکل اصلاحات کنوانسیون را با هدف تغییر ساختار، مدیریت سازمان، تسهیل عضویت کشورها، توسعه موضوعات و فعالیتهای سازمان تصویب کردند، لذا هیأت وزیران لایحه مذکور را پس از تصویب در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۲۸ به مجلس ارائه نموده است.

د) اظهار نظر کارشناسی

در تبصره (۱) ماده واحده چون سازمان بنادر و دریانوردی منجزاً از سوی قانونگذار به عنوان مسئول اجرای پروتکل تعیین شده است، لذا تفویض اختیار تغییر آن به دولت مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است. تفویض اختیار قانونگذاری به هیأت وزیران صرفاً در چارچوب ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی (وضع اساسنامه) امکان‌پذیر است. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند اختیار وضع مقررات را به صورت آیین‌نامه و تصویب‌نامه در چارچوب اصل ۱۳۸ به هیأت وزیران تفویض کند، ولی موضوع تبصره (۱) ماده واحده هیچکدام از دو مقوله ذکر شده نیست.

۱۳- اصلاحیه اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون

با عنایت به حکم مندرج در بند (ی) ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه مبنی بر

اصلاح اساسنامه بر اساس پیشنهاد دستگاه ذیربط و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و درج این موضوع در مقدمه تصویب‌نامه، ابهام برطرف شده است.

۱۴- اساسنامه صندوق خدمات درمانی

با توجه به اینکه مقدمه تصویب‌نامه مبین رعایت ترتیبات مندرج در ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳- (پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی) است لذا ابهام برطرف شده است. لازم به ذکر است بر اساس بند (۱۰) ماده واحد قانون تعیین وضعیت شوراهای عالی - مصوب ۱۳۸۷- شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی با حفظ اختیارات و وظایف و اعضای آن کمافی‌السابق بر اساس قوانین ذیربط قبلی تشکیل و اداره می‌شود.

۱۵- اصلاحیه اساسنامه شرکت ارتباطات زیر ساخت

با عنایت به اینکه موضوع اصلاح اساسنامه شرکت مذکور بر اساس متن مصوب هیأت وزیران به شورای نگهبان ارسال شده است، لذا ایراد برطرف شده است. همچنین با توجه به اینکه در مقدمه تصویب‌نامه رعایت ترتیبات مندرج در بند (ی) ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه (پیشنهاد دستگاه ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور) صورت گرفته است، لذا ابهام مورد نظر برطرف شده است.

۱۶- اصلاحیه اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی

با توجه به اینکه متن ارسالی به شورای نگهبان به تصویب هیأت وزیران و تأیید معاون اول رئیس جمهور رسیده است؛ لذا ایراد برطرف شده است. همچنین از این جهت که در مقدمه تصویبنامه ترتیبات مندرج در بند(ی) ماده(۷) قانون برنامه چهارم توسعه (پیشنهاد وزارت بازرگانی و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور) درج شده است لذا ابهام مورد نظر برطرف شده است.

هیأت وزیران بر اساس ماده(۸۰) قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲- اختیار ایجاد مرکز تجارت الکترونیکی با تجمیع واحدهای ذیربط را داشته است و طبیعتاً شناخت مصادیق واحدهای ذیربط برعهده هیأت وزیران و حذف مرکز ملی شماره‌گذاری از ماده(۱) اساسنامه بیانگر آن است که این مرکز در زمره واحدهای ذیربط نمی‌باشد.

۱۷- اصلاحیه اساسنامه صندوق توسعه صنایع دریایی

با عنایت به اینکه بر اساس تبصره(۱) ماده(۱) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی - مصوب ۱۳۸۷- اساسنامه صندوق با پیشنهاد مشترک وزارت صنایع و معادن و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیأت وزیران می‌رسد و این ترتیبات در مقدمه تصویبنامه درج شده است لذا ابهام برطرف شده است.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم مجلسین می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت
و ظرافت اسلامی و ملی خود را انفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون پنج لا
خط جلوگیری نمایند و بلاخط ضرورت کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه ابراشود توجه نمایند

(صحیفه امام، ج ۲۲، ص ۴۳۳)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

تهران - صندوق پستی ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵